



تأثیر متغیرهای اجتماعی و فردی بر میزان کیفرگرایی افکار عمومی (مطالعه میدانی در سه شهر تهران، مشهد و قم)

دکتر علی صفاری^۱ راضیه صابری^۲ ✉
دکتر سید محمدجواد ساداتی^۳ زینب لکی^۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۱۸

چکیده

تمایل افکار عمومی به کیفر بزهکاران، به‌ویژه کیفرهای شدید، پدیده‌ای پیچیده و مؤثر بر سیاست‌گذاری‌های کلان می‌باشد که از عوامل متعددی ناشی می‌شود. میزان و عوامل این پدیده در هر شهر یا حتی منطقه‌ای متفاوت و در همه افراد یکسان نیست و به تعاملات پیچیده میان عوامل مختلف تأثیرگذار بر آن‌ها بستگی دارد. هدف این نوشتار بررسی تأثیر چهار متغیر اجتماعی و فردی، یعنی تأثیر آگاهی نسبت به جرایم مورد بحث در این مقاله و آثار زینبار آن‌ها، تأثیر جنس، تأثیر باورهای مذهبی بسته به نوع شهر و تحصیلات در سه شهر تهران، مشهد و قم بر میزان تمایل افکار عمومی به کیفرگرایی در سه جرم تجاوز به عنف، اختلاس و تأسیس یا عضویت در شرکت-های هرمی است. پژوهش حاضر، در سال ۱۳۹۳ با استفاده از روش پیمایشی انجام شد. جامعه پژوهش شامل کلیه افراد ۱۸ سال به بالا در سه شهر تهران، مشهد و قم بودند که ۱۸۰ نفر از آن‌ها با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. برای توصیف داده‌ها از روش آمار توصیفی میانگین و برای آزمون سوالات از آزمون همبستگی خی‌دو استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد بین متغیرهای آگاهی و جنسیت با میزان تمایل به کیفرگرایی رابطه معنادار وجود ندارد. متغیر سطح تحصیلات هم تنها در مورد جرم تجاوز به عنف، وجود یک رابطه معنادار با میزان کیفرگرایی را به اثبات رساند. در خصوص متغیر شهر و تأثیر آن بر میزان تمایل به کیفرگرایی نیز، تنها در جرم تجاوز به عنف رابطه معنادار به‌دست آمد. یافته‌های پژوهش حاضر، اهمیت استفاده از نیروهای متخصص در امر کیفرشناسی هنگام قانون‌گذاری و وضع مجازات برای جرایم مختلف و همچنین ضرورت آگاه نمودن افکار عمومی در مورد ماهیت و آثار واقعی و اجتماعی جرایم مختلف و کیفر آن‌ها را مورد تأکید قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی: افکار عمومی، کیفرگرایی، متغیرهای فردی و اجتماعی، آگاهی، جنس، شهر، تحصیلات.

۱. دانشیار حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی تهران.

۲ و ۴. دانش آموخته دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی تهران

۳. استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد

۱. مقدمه

کیفرگرایی اصطلاحی نیست که بتوان تعریفی جامع و مانع از آن ارائه کرد. با وجود این، به اختصار می‌توان گفت منظور از کیفرگرایی، تمایل افراطی به ساز و کارهای کیفری در پاسخ به رفتار مجرمانه است. امروزه با توجه به افزایش احساس ناامنی و ترس از جرم‌گرایی به کیفر بیشتر شده است. کیفرگرایی را می‌توان روشی دانست که با گریز از سیاست‌های اصلاح و درمان و نیز منش‌های پیشگیرانه بر این اعتقاد است که تنها با تمسک به ابزارهای کیفری می‌توان به کنترل مؤثر بزهکاری نائل آمد. در این نگرش، تحمیل مجازات به بزهکار، هرگز نقض کرامت انسانی او محسوب نمی‌گردد. زیرا او پیش از این و با ارتکاب جرم، خود را از این حق بنیادین محروم نموده است. در مقابل، مدارا با بزهکار، مخدوش نمودن مضاعف کرامت انسانی بزه‌دیده تلقی می‌شود.

کیفرگرایی گاه مبتنی بر اراده سخت‌گیری طراحان سیاست کیفری بوده که از آن به‌عنوان کیفرگرایی دولتی یاد می‌شود و گاه نیز منتسب به تمایل افراطی افکار عمومی به کیفر می‌باشد (محمودی جانکی و مرادی حسن آبادی، ۱۳۹۰: ۱۸۱-۱۸۲). گونه نخست کیفرگرایی نیز به نوبه خود، از سوئی ممکن است مبتنی بر گرایش‌های فلسفی سزاگرا صورت گرفته و از سوی دیگر، به واسطه‌ی غلبه‌ی رویکردهای امنیت‌مدار به نظام عدالت کیفری باشد. در رویکرد سزاگرا، آنچه دارای اهمیت بسیار است؛ رعایت عدالت استحقاقی می‌باشد. در این چارچوب، مجرمان تنها در برابر جرم ارتکابی و به میزان زینانی که به اجتماع وارد آورده‌اند؛ مجازات خواهند شد. بر همین اساس، مجرمین تنها میزانی از کیفر را تحمل می‌نمایند که شایسته‌ی آن هستند (صفاری، ۱۳۹۲: ۹۹؛ جوان جعفری و ساداتی، ۱۳۹۱: ۶۱). در مقابل، رویکرد امنیت‌مدار به سیاست کیفری، رویه‌ای است که بر اساس آن، مدیریت ریسک جرم در اولویت قرار گرفته و تلاش بر آن است تا با مداخله‌ی حداکثری حقوق کیفری در آزادی‌ها و حقوق شهروندان و نیز با اتخاذ منش تسامح صفر، مبارزه‌ای همه‌جانبه با رفتار مجرمانه و البته، رفتارهای مشرف به ارتکاب جرم صورت گیرد. این روش توأم با شدت، عموماً از سوی دست‌اندرکاران نظام عدالت کیفری و با هدف کاهش جرایم مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این شیوه، برخلاف منش سزاگرا، عدالت استحقاقی ابزاری برای تعیین میزان مجازات نبوده و شدت عمل کیفری، بر مبنای میزان خسارت وارده از جرم به نظم و انسجام اجتماعی نخواهد بود (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۸: ۷۴۷؛ نجفی ابرند آبادی، ۱۳۹۱: ۱۴؛ قناد و اکبری، ۱۳۹۶: ۴۲).

علاوه بر کیفرگرایی دولتی، می‌توان از گونه‌ای کیفرگرایی سخن به میان آورد که مبتنی بر خواست افکار عمومی است. در این شیوه، افکار عمومی خواهان کیفرهای شدید در مقابله با رفتار مجرمانه هستند. از همین رو، در کنار مناسبات قدرت که موجب واکنش‌های شدید کیفری می‌گردد؛ گاه اراده سخت‌گیرانه‌ی جامعه نیز مطرح است (میرسعیدی و کوره‌پز، ۱۳۹۸: ۱۹۱).



آنچه در این نوشتار باید روشن گردد؛ شناسایی گونه‌های کیفرگرایی است که ریشه در اراده‌ی افکار عمومی دارد. افکار عمومی را می‌توان معادل واژه‌ی (عقاید)^۱ دانست. میان این واژه و فکر باید قائل به تفکیک شد. در حقیقت، افکار عمومی را باید ناظر به عقیده و یا نظر عمومی دانست. زیرا «... نظر شناختی گذراست بین شک و اطمینان که همواره استدلال منطقی و همه‌پسندی در شکل‌گیری آن دخالت ندارد. در حالی که فکر بر پایه تعقل صورت پذیرفته و از عمق بیشتری برخوردار است. از این رو انتخاب واژه افکار مبتنی بر یک سنت دیرینه و تکیه بر واژگان مرسوم می‌باشد» (محمودی‌جانکی و مرادی حسن آبادی، ۱۳۹۰: ۱۸۰). بنابراین، افکار عمومی را باید ناظر به عقیده و یا برداشت عمومی دانست و نه آن را به مثابه‌ی یک فرایند عقلانی محاسبه شده تصور نمود. افکار عمومی را نمی‌توان حاصل جمع عقیده‌ی یک‌یک افراد جامعه تلقی نمود. بلکه خود ماهیتی مستقل از عقیده‌ی اجتماع بوده و حتی گاه، آن‌ها را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد (بریث، ۱۳۸۷: ۶۰؛ دور کهایم، ۱۳۸۷: ۷۷).

دو گونه کیفرگرایی عمومی را می‌توان مورد شناسایی قرار داد. نخست، وضعیتی که منشا آن، عوام‌فریبی کیفری است و دیگر، کیفرگرایی عمومی که در نتیجه باورهای فرهنگی و نیز رسوب آداب و منش سختگیرانه در جامعه به وجود آمده است (محمودی جانکی و مرادی حسن آبادی، ۱۳۹۰: ۱۸۳-۱۸۵).

مقصود از عوام‌فریبی کیفری، جابه‌جایی جرم از حوزه‌ی سیاست‌گذاری کیفری به حوزه‌ی سیاست‌گذاری عمومی است. در جریان این دگرگونی، دغدغه‌ی کنترل بزهکاری از یک نیاز کیفری، فراتر رفته و در قلمروی سیاست‌های کلان اجتماعی، مبدل به نیاز به مبارزه با جرم می‌گردد. منشا عوام‌فریبی کیفری را می‌توان مبارزات سیاسی در غرب و به‌ویژه آمریکا دانست (طاهری، ۱۳۹۲: ۲۹). تبدیل جرم به یک پدیده‌ی سیاسی، اندک اندک احساس نیازی مبرم برای جنگ علیه جرم را در افکار عمومی زنده می‌نمود. در حقیقت، تا پیش از این اگرچه اجتماع همواره وضعیت بزهکاری را در معرض نظارت و قضاوت قرار می‌داد؛ لیکن، بهره‌برداری سیاسی از بزهکاری، احساس نیاز به امنیت را در برابر دیگر نیازهای مبرمی همچون اقتصاد تا حدود بسیاری پر رنگ نمود. این احساس نیاز، توأمان با شکست سیاست‌های اصلاح و درمان در کنترل پدیده‌ی مجرمانه گردیده و به همین ترتیب زمینه را برای این باور پدید آورد که یگانه راه گریز از وضعیت موجود و تحقق آرمان به حداقل رساندن نرخ جرم، تمسک به کیفرگرایی است (فرجیها و مقدسی، ۱۳۹۱: ۱۱۷۹؛ پرت، ۱۳۹۲: ۳۰). تقارن وضعیت‌های سیاسی (بهره‌برداری سیاسی از مفهوم جرم) و شرایط کیفری (شکست سیاست‌های اصلاح و درمان)، در نهایت نوعی ادبیات توده‌گرا را در خصوص سیاست

کیفری آفرید(وایت و هینز، ۲۹۵:۱۳۸۶). ارائه‌ی این برداشت سیاسی از جرم، همراه با القای این اندیشه بود که جرایم، روز به روز در حال افزایش هستند. به ویژه آن‌که، فعالیت‌های مستمر عواملی همچون رسانه‌ها، بیشتر این باور را تثبیت می‌نمود که نرخ جرایم خشونت‌بار به طرز قابل توجهی افزایش یافته و این شکست، معلول سیاست‌های اصلاح و درمان است(رابرتز، استالاتز، ایندرمار و هاف، ۱۳۹۲: ۲۱).

همان‌گونه که پیشتر نیز گذشت، غلبه‌ی این نگرش، گونه‌ای از کیفرگرایی را آفرید که نه خواست حقیقی اجتماع، بلکه تحمیل شده بر او از طریق پر رنگ نمودن مساله‌ی بزهکاری و بزهکار به عنوان یک بحران اجتماعی و یک نیاز فراموش شده بود. نتیجه‌ی بدیهی این عوام‌فریبی، در قالب گرایش اجتماع به سیاست‌های جنگ با مجرمان(به مثابه‌ی بیگانگان) ظهور یافت. بنابراین، می‌توان منشا گونه‌ای از کیفرگرایی را فرآیند بهره‌برداری سیاسی از جرم دانست.

در کنار عوام‌فریبی کیفری می‌توان به شیوه‌ای دیگر از کیفرگرایی عمومی اشاره نمود که براساس آن، باورهای فرهنگی و عادات یک جامعه، افکار عمومی را به سوی کیفرهای شدید در واکنش علیه پدیده‌ی مجرمانه وادار می‌نماید. برخلاف کیفرگرایی مبتنی بر عوام‌فریبی، کیفرگرایی که بر مبنای باورهای یک اجتماع صورت گرفته باشد؛ تحمیلی نبوده و کمتر تحت تاثیر تمایلات سیاسی قرار می‌گیرد. هر چند نباید فراموش نمود که بخش بیشتری از باورهای یک اجتماع نیز، در نتیجه‌ی عوامل گوناگون اقتصادی، اجتماعی و... شکل می‌گیرد. به طور کلی، می‌توان دو دسته علت را برای این نوع کیفرگرایی برشمرد که عبارت از علل فردی و اجتماعی می‌باشد. پژوهش حاضر به بررسی علل فردی و اجتماعی مؤثر در میزان تمایل افکار عمومی به کیفرگرایی در سه شهر تهران، مشهد و قم پرداخته است.

۲. ادبیات و پیشینه پژوهش

به نظر می‌آید سه متغیر جنس، سن و تحصیلات در میزان کیفرگرایی افکار عمومی مؤثر هستند(نورپور، جوان جعفری و ساداتی، ۱۳۹۸، ۵۱۷)(جوان جعفری، ساداتی و نورپور، ۱۳۹۹: ۱۱۶-۱۱۷). در خصوص متغیر جنس، برخی پیمایش‌ها چنین به اثبات رسانده‌اند که زنان در مقایسه با مردان، گرایش کمتری به پاسخ‌های کیفری شدید در برابر بزهکاری دارند. به عنوان مثال در تحقیقی که در آلمان شرقی و غربی از دو جنس زن و مرد درباره‌ی میزان شدت مجازات صورت گرفت؛ زنان در قیاس با مردان، تمایل کمتری به واکنش کیفری شدید داشتند (Kury & Ferdinand, 1999: 384-385). همچنین، نتایج مطالعه کسترن که داده‌های پیمایش بین‌المللی بزه‌دیدگی و نیز داده‌های پیمایش اروپایی جرم و امنیت را در ۲۳ کشور توسعه‌یافته تحلیل کرد،



حکایت از آن داشت که متغیر جنس همبسته مهمی برای کیفرگرایی است. بدین معنا که مردها نسبت به زنان تا حدی کیفرگراتر هستند (Kesteren, 2009: 44). براساس یک پژوهش دیگر، میزان حمایت زنان آمریکایی از کیفر اعدام نسبت به مردان پایین تر است (هود و هوپل، ۱۳۹۱: ۴۴۳). مطابق پژوهش قاسمی، که در سال ۲۰۰۸ در چهار شهر تهران، قم، سنندج و اهواز انجام شد، زنان حمایت کمتری از قصاص نفس در قتل عمد و قطع انگشتان دست در سرقت حدی از خود نشان داده اند (Ghassemi, 2009: 170). البته، چنانچه با دقت بیشتری این مساله مورد توجه قرار گیرد؛ می توان دریافت که نتایج این داده ها، چندان مطلق نیستند. بدین علت که ممکن است زنان به جای بزه دیده، همزادپنداری بیشتری با بزهکار داشته باشند. کیفرگرایی، محصول همزادپنداری با بزه دیده و تصور آلام او است. در این نگرش، بزهکار نه یکی از افراد اجتماع بلکه یک دشمن و بیگانه تلقی می گردد. از همین رو، تنها راه کنترل نا بهنجاری ها، جنگ با جرم است. اما، چنانچه با بزهکار همزادپنداری شود؛ به عنوان مثال این تصور که او ناچار به ارتکاب جرم شده است تا معاش فرزندان خود را تهیه نماید؛ ممکن است نتایج تحقیقات دستخوش تغییر گردد (Unnever & Cullen, 2009: 283-304). در خصوص تأثیر این متغیر بر میزان تمایل به کیفرگرایی، پیمایشی در ایران و در شهر مشهد در خصوص دو نوع مجازات اعدام در جرایم تعزیری و قطع انگشتان دست انجام شده که باز هم نتیجه نشان می دهد زنان نسبت به مردان کمتر متمایل به اعمال چنین مجازات هایی هستند (نقدی، ۱۳۹۶: ۶۲).

بررسی ها نشان می دهد علی رغم تمایل کمتر زنان به کیفرگرایی، میزان ترس از جرم زنان نسبت به مردان بیشتر است (صفاری، لکی و صابری، ۱۳۹۵: ۱۳۷؛ نیکوکار و همت پور، ۱۳۹۱: ۱۰۳؛ سیدزاده ثانی و کرمانی، ۱۳۹۲: ۱۲۸). اتفاقاً بالا بودن ترس از جرم زنان نسبت به مردان در برخی از تحقیقات انجام شده اثر گذاشته و باعث شده تا میزان تمایل به کیفرگرایی در زنان نسبت به مردان بیشتر نشان داده شود. برای مثال، در پیمایشی که در خصوص میزان تمایل به مجازات اعدام در بین اساتید و دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی انجام شد نتایج نشان داد که دانشجویان دختر بیشتر از دانشجویان پسر با این مجازات موافق اند. اما در گروه اساتید، اساتید مرد دو برابر اساتید زن با این مجازات موافق هستند. در تبیین این یافته چنین استدلال شده که بالا بودن احساس ناامنی و ترس از جرم، عدم امنیت اجتماعی و آسیب پذیر بودن دختران نسبت به پسران احتمالاً یکی از دلایل این اختلاف است. از طرف دیگر، شیوع بالای آدم ربایی، تجاوز و قتل دختران و زنان نیز بر این اختلاف صحنه می گذارد. اما در میان اساتید زن این یافته کاملاً عکس دانشجویان دختر بود. در خصوص علت این اختلاف نیز چنین آمده است که اولاً اساتید زن تقریباً دو برابر سن دانشجویان را داشتند و قاعدتاً نسبت به دانشجویان از حاشیه احساس امنیت روانی و اجتماعی بیشتری، در برابر آسیب های

اجتماعی، برخوردار بودند. ثانیاً، با توجه به تاهل اکثریت اساتید، طبعاً عوامل خطر اجتماعی کمتری نسبت به دانشجویان متوجه آنان می‌باشد (عبداللهی و محققى کمال، ۱۳۹۰: ۴۶۵). همچنین پژوهش دیگر در این زمینه که در سال ۱۳۹۵ در شهر مشهد انجام شده، نشان می‌دهد تمایل زنان بر تحمیل مجازات سنگسار بر اشخاصی که مرتکب جرم زناى محصنه شده‌اند نسبت به مردان بیشتر است. این در حالی است که یافته‌های همین پژوهش حاکی از آن است که در خصوص دو جرم اختلاس و سرقت حدی مستوجب قطع دست، زنان تمایل کمتری برای اجرای مجازات شدید نسبت به مردان از خود بروز داده‌اند. نویسندگان پژوهش حاضر علت این تفاوت را در «کیفیت درونی‌سازی ارزش‌ها» جستجو کرده‌اند. در واقع، زنان بیشتر از هر چیز ارزش‌هایی را درونی می‌کنند که مرتبط با موقعیت زنانه و خانوادگی آنها است؛ از این رو، حساسیت زنان نسبت به مردان در مورد جرایم جنسی بیشتر است و این باعث شده تمایل آنها به کیفرگرایی در جرم زناى محصنه بیشتر از مردان باشد. در مقابل، مردان ارزش‌های ناظر به مسائل اقتصادی را بیشتر درونی‌سازی می‌کنند و همین امر باعث می‌شود تمایل به کیفرگرایی و کیفرهای شدید در خصوص مجرمان مالی در مردان نسبت به زنان بیشتر باشد. علت دیگر تمایل بیشتر زنان بر تحمیل مجازات شدید بر بزهکار جرم زناى محصنه، ناشی از سرخوردگی اجتماعی و تمایل برای گرفتن انتقام از کسانی است که به همسر خود خیانت کرده و وارد رابطه غیر اخلاقی با زن دیگری شده‌اند و احساس بزه‌دیدگی را به افراد تحمیل می‌کنند (جوان جعفری، ساداتی و نورپور، ۱۳۹۹: ۱۲۹-۱۳۵).

متغیر سن را نیز می‌توان در میزان کیفرگرایی افکار عمومی دخالت داد. در مورد تأثیر سن بر میزان تمایل افکار عمومی به کیفرگرایی دو دیدگاه وجود دارد. براساس یک فرضیه، افراد کم سن و سال، همانند نوجوانان و جوانان، در مقایسه با بزرگسالان کیفرگراترند (محمودی‌جانکی و مرادی-حسن‌آبادی، ۱۳۹۰: ۱۹۰). این مسئله می‌تواند ناشی از غلبان احساسات و عواطف در کم‌سالان و نیز عدم درک آثار کیفرگرایی باشد (Kvashis, 1999:80). البته مسئله ترس از جرم نیز در این خصوص تأثیرگذار است. دیدگاه دیگر بر این باور است که افراد جوان نسبت به بزرگترها کمتر سزاگرا هستند. برای مثال، پژوهش‌ها در کشورهایی که مجازات مرگ را لغو کرده‌اند نشان می‌دهد نسل جدید که بدون اعدام، اجتماعی می‌شوند در مقایسه با بزرگترها تمایل کمتری نسبت به اعدام دارند (هود و هوپل، ۱۳۹۱: ۴۵۰).

تحصیلات را نیز می‌توان به‌عنوان دیگر متغیر فردی مورد بررسی قرار داد. تحقیقات، نتایج متفاوتی را در این خصوص ارائه داده‌اند. به عنوان مثال، اسپرات به این نتیجه رسید که در پاسخ به پرسش‌های کلی و انتزاعی در باب کیفرگرایی، سطح تحصیلات تأثیری در میزان کیفرگرایی ندارد. لیکن در سوالات مرتبط با یک پرونده خاص افراد دارای تحصیلات بالاتر تمایل بیشتری دارند که



خدمات عام‌المنفعه را برگزینند (sprott, 1999: 470-472). در مقابل، نتایج تحقیقات کوری و فردیناند این موضوع را تایید کرد که با افزایش سطح تحصیلات، کیفرگرایی افزایش می‌یابد. لیکن در بالاترین سطوح تحصیلات کیفرگرایی افراد کاهش می‌یابد (Kury & Ferdinand, 1999: 385). در نهایت، کسترن در تحلیل داده‌های (ICVS) در مورد کشورهای توسعه‌یافته به این نتیجه رسید که افراد دارای تحصیلات پایین‌تر تمایل بیشتری به کیفرگرایی دارند (Kesteren, 2009: 38). در خصوص تأثیر متغیر تحصیلات بر میزان کیفرگرایی، در بین اساتید و دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی تهران نیز پیمایشی انجام شده که نشان می‌دهد بین میزان تحصیلات با نگرش افراد در مورد مجازات اعدام همبستگی معکوس وجود دارد، به طوری که با افزایش سطح تحصیلات، موافقت با مجازات اعدام کاهش می‌یابد (عبداللهی و محققى کمال، ۱۳۹۰: ۴۶۴). در همین زمینه مطالعه میدانی انجام شده در شهر مشهد نیز بیانگر وجود رابطه معنادار معکوس بین سطح تحصیلات با دو مجازات اعدام حدی و قطع انگشتان دست است. بدین معنا که با افزایش سطح تحصیلات حمایت از این گونه مجازات‌ها کاهش می‌یابد (نقدی، ۱۳۹۶: ۶۳).

بعد از ذکر علل فردی تأثیرگذار بر میزان تمایل افکار عمومی به کیفرگرایی باید به بررسی علل اجتماعی موثر پرداخت. ترس از جرم را می‌توان در شمار علل اجتماعی دانست که تأثیری قابل توجه بر میزان کیفرگرایی شهروندان دارد (نورپور، جوان جعفری و ساداتی، ۱۳۹۸، ۵۱۶). پیش از هر چیز باید توجه داشت که ترس از جرم مفهومی مورد اختلاف است و ابهامات درباره آن به عنوان تجربه‌ای روزمره و پدیده‌ای اجتماعی همچنان به قوت خود باقی است (فارال، جکسون و گری، ۱۳۹۲: ۴۱). با این وجود، ترس از جرم را می‌توان، ترس از بزه‌دیده شدن دانست که به نظر می‌آید بیشتر در خصوص جرایم خیابانی و خشونت‌بار مصداق می‌یابد. از همین رو، «افراد اغلب مکانی را برای زندگی کردن، خرید و معاشرت انتخاب می‌کنند که تصورشان مبتنی بر امنیت نسبی شهرها، شهروندان و محله‌های مختلف باشد. والدین در صورتی به فرزندانشان اجازه بازی در پارک یا پیاده رفتن به مدرسه را می‌دهند که آنجا را امن بدانند. محله‌ها و تمام شهرها یک چرخش کاهشی (به لحاظ جمعیت) را طی کرده‌اند؛ زیرا ترس از جرم باعث تحریک ساکنان و مغازه‌دارانی شده که برای ترک آنجا توانایی لازم را داشته‌اند» (کوردنر، ۱۳۹۰: ۲۱).

در یک پیمایش انجام شده در کانادا، کسانی که اعتقاد داشتند جرایم در حال افزایش هستند (یعنی ترس از جرم بیشتری را نشان دادند) به احتمال بیشتری به این موضوع باور داشتند که احکام دادگاه‌های بزرگسالان به اندازه کافی شدید نیست. در واقع آن‌ها کیفرگراتر بودند. لیکن زمانی که در مورد یک پرونده خاص از آن‌ها پرسش شد، ترس از جرم نشانگر مهمی نبود. بدین معنا که کیفرگرایی و انتخاب گزینه حبس، در مورد پرونده‌های خاص، ارتباطی با ترس از جرم نداشت.

این گفته را این گونه می توان تفسیر کرد که ارائه یک پرسش کلی و انتزاعی به مخاطبان، ذهن آن ها را درگیر جزئیات نکرده و این فرصت را فراهم می آورد که ترس از جرم، که از قبل در ذهن مخاطب وجود داشته، مجال ظهور و بروز پیدا کند. از سوی دیگر می توان گفت با ارائه یک پرونده خاص به مخاطب، وی با مجرم همزادپنداری کرده و نتیجتاً کیفرگرایی کمتری را نشان می دهد (Sprrott, 1999: 468-473).

بنابر آنچه گذشت، این امکان وجود دارد که با افزایش ترس از جرم، میزان کیفرگرایی نیز افزایش یابد. برای نمونه، نظرسنجی افکار عمومی سال ۱۹۹۵ در ایالات متحده آمریکا نشان داد که تقریباً نیمی از زنان پاسخ دهنده و حدود یک سوم مردان، غالباً نگرانند که خود یا یکی از افراد خانواده شان مورد تجاوز قرار بگیرند. همین دغدغه تمایل پیمایش شوندهگان را به اجرای مجازات های شدید علیه متجاوزان جنسی افزایش می داد (رابرتز، استالاتز، ایندرمار و هاف، ۱۳۹۲: ۲۲۷). البته ممکن است بر این قاعده، استثنائاتی نیز وارد باشد. از جمله این استثنائات بحث همزادپنداری است. در حقیقت، شیوهی همزادپنداری شهروندان می تواند در نرخ ترس از جرم موثر باشد. به عنوان مثال، اینکه مخاطب، خود را در جایگاه بزه دیده دانسته و آلام فراوان او را تداعی نماید؛ نتیجه متفاوتی با این حالت دارد که پیمایش شوندهگان خود را همزاد مجرم پنداشته و بخواهند با وی همدردی نمایند.

توانایی همزادپنداری را گاهی دارای پایه زیستی-عصبی و گاهی اجتماعی دانسته اند. اونور و کولن بر این باورند که همزادپنداری داخل در یک فرایند زیستی-اجتماعی است. به این معنا که علاوه بر ریشه های زیست شناختی، بر اثر مجموعه ای از باورهای اجتماعی و تصاویر دارای ساخت اجتماعی از جرم شکل می گیرد. برای نمونه، کسی که تصور می کند مجرمان خیابانی از نژادی خاص هستند، احتمالاً توانایی او برای همزاد پنداری با مجرم تحت تاثیر این تصویر ذهنی خواهد بود. همچنین کسی که مجرم را یک کنشگر آزاد و مختار می داند، امکان همزادپنداری وی با مجرم احتمالاً کاهش می یابد (Unnever & Cullen: 2009: 283-304).

باورهای مذهبی و نژادی از دیگر عوامل اجتماعی هستند که تأثیری بسیار در میزان تمایل افکار عمومی به کیفرگرایی دارند (نورپور، جوان جعفری و ساداتی، ۱۳۹۸، ۵۱۶). این تأثیر در نتیجه پیمایش فیشر، کالن و اپلگیت به اثبات رسیده است که افرادی که تحت تأثیر باورهای تند و متعصبانه مذهبی و فهم و تفسیر خودسرانه از متن کتاب مقدس قرار دارند، از کیفر مرگ بیشتر حمایت می کنند. (Cullen, Fisher & Applegate, 2000: 24-25) در مقابل، افرادی که بیشتر اهل بخشش بوده و رابطه شخصی با یک عشق به خدا داشته اند، کمتر از سیاست های سرکوبگرانه حمایت می کنند. به عنوان مثال، در دین مسیحیت به دلیل وجود جمله مشهور «اگر یک سیلی



خوردی صورتت را برگردان» بخشش بیشتر بوده و تمایل به کیفرگرایی کمتر مشاهده می‌شود (Unnever & Cullen: 2009: 293-294). براساس پژوهشی که در آمریکا صورت گرفت، آشکار شد که گروه‌های مذهبی لیبرال مخالف مجازات مرگ هستند، در حالی که گروه‌های مذهبی محافظه‌کار از این کیفر حمایت می‌کنند (هود و هوپل، ۱۳۹۱: ۴۴۴). همچنین، براساس پیمایش کیفرگرایی در ایران، چنین نتایجی حاصل گردید: افرادی که بیشتر به رعایت شئون‌های مذهبی پایبند هستند تمایل فزاینده‌تری برای تحمیل مجازات‌های شدید جسمانی از خود بروز داده‌اند. پژوهش پیش‌گفته به اثبات می‌رساند که این دسته از شهروندان در مقایسه با دیگر اقشار جامعه موافقت بیشتری با مجازات‌های قانونی موجود دارند (جعفری، ۱۳۸۹: ۱۸۶). یک پیمایش کیفرگرایی دیگر، توسط سراج‌زاده در بین دانشجویان دانشگاه‌های دولتی ایران با هدف درک تأثیر دینداری بر میزان تمایل شهروندان به تحمیل مجازات شدیدتر انجام شده است. براساس یافته‌های این پژوهش، در کشورهای اسلامی افکار عمومی به طور خاص نسبت به جرایمی که عفت عمومی را جریحه‌دار می‌کنند حساسیت بیشتری از خود بروز می‌دهد و تمایل بیشتری به اعمال مجازات شدیدتر دارد (Serajzadeh, 2008: 542-454 & 555).

در خصوص تأثیر باورهای نژادی بر تمایل به کیفرگرایی نیز برخی تحقیقات وجود این تأثیر را تأیید می‌کند. برای مثال، پیمایش‌ها نشان می‌دهد که سفیدپوست‌ها خواهان مجازات شدید در مناطقی هستند که دارای گروه‌های اقلیتی بزرگ هستند (Jacobs & Carmichael, 2002: 111). در نهایت، آخرین متغیر اجتماعی که از تأثیر آن بر کیفرگرایی افکار عمومی می‌توان سخن گفت میزان آگاهی افکار عمومی از ماهیت کیفرهای مختلف و آثار فردی و اجتماعی است که اعمال چنین کیفرهایی می‌تواند به همراه داشته باشد. نتیجه یک پیمایش در مورد کیفر مرگ نشان می‌دهد که عموم مردم به علت نداشتن اطلاعات کافی از کیفر مرگ حمایت می‌کنند (Vidmar & Ellsworth, 1974: 1247-1248).

همچنین، با هدف بررسی تأثیر میزان آگاهی حقوقی در گرایش به اجرای مجازات اعدام، پژوهشی در سال ۱۳۹۵ در شهر تهران انجام شده است که جامعه آماری آن دو قشر حقوقدان و غیرحقوقدان بوده‌اند. مطابق نتایج این پژوهش تفاوت عقیده معناداری بین این دو گروه وجود داشت؛ به نحوی که گروه حقوقدان با اعدام در جرایم تعزیری مخالفت بیشتری داشته‌اند، ولی عموم مردم هنوز از این‌گونه مجازات‌ها حمایت می‌کنند (راحتلویی، ۱۳۹۵: ۱۴۵-۱۴۶). بنابراین، می‌توان چنین نتیجه گرفت که میان آگاهی عمومی از اجرای مجازات‌های رسمی و نگرش نسبت به جرم، رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد؛ به طوری که پایین بودن آگاهی شهروندان از وضعیت و کیفیت مجازات‌ها موجب افزایش حمایت از کنترل‌های اجتماعی رسمی شدید و بدنی می‌شود

(قاضی نژاد و مهمدی، ۱۳۹۵: ۱۸۵). فرضیه عدم آگاهی در مورد مقوله کیفر و تأثیر آن بر کیفرگرایی زمانی مشهودتر می‌شود که در مورد کیفری از افکار عمومی پرسیده شود که جنبه استثنائی داشته و افراد کمتر با آن برخورد داشته‌اند؛ موضوعی که میزان آگاهی‌های افراد را در سطح پایین‌تری قرار می‌دهد. به عنوان نمونه، اگر از شهروندان در مورد مخالفت یا موافقت با خدمات عام-المنفعه سوالاتی پرسیده شود به نظر می‌رسد به علت عدم آگاهی آن‌ها از این‌گونه کیفر، نتوان اطلاعات موثق و قابل اعتمادی را به دست آورد و احتمالاً میزان مخالفت با این ضمانت اجرا در سطوح بالایی خواهد بود (محمودی جانکی و مرادی حسن آبادی، ۱۳۹۰: ۱۹۰).

به‌طور خلاصه و پس از مطالعه پژوهش‌های میدانی مختلف، مجموعه عوامل فردی و اجتماعی مؤثر در تمایل افکار عمومی به کیفرگرایی را به شرح نمودار ذیل می‌توان ترسیم نمود.



شکل ۱. خلاصه مدل نظری عوامل مؤثر بر کیفرگرایی افکار عمومی

باجمع‌بندی پژوهش‌های محدود صورت گرفته در کشورمان^۱ و با عنایت به پژوهش‌های متعدد در دیگر کشورها و ابعاد گسترده و اهمیت وافر این موضوع، در این مقاله تلاش نگارندگان بر آن بوده که بتوانند خلأ پژوهش میدانی در خصوص این موضوع در مورد کیفر سه جرم تجاوز به عنف، اختلاس و تأسیس یا عضویت در شرکت‌های هرمی در سه شهر تهران، مشهد و قم تا حدودی برطرف گردد. هدف از طرح این سه جرم طبیعی بودن برخی و قراردادی بودن برخی دیگر است.

^۱ به عنوان نمونه رک به: پیمایش میدانی صورت گرفته توسط عبدالرضا جوان جعفری بجنوردی، سیدمحمدجواد ساداتی و محسن نورپور در شهر مشهد. نتایج این پیمایش در قالب دو مقاله در مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم-شناسی و نیز مجله پژوهش حقوق کیفری به چاپ رسیده است.



چنان‌که، تجاوز به عنف، به عنوان یک جرم طبیعی و اختلاس و شرکت‌های هرمی به عنوان جرایم قراردادی مورد پیمایش قرار گرفته و مقصود بررسی واکنش شهروندان در خصوص این جرایم و نیز تحقیق در خصوص تاثیرگذاری و یا عدم تاثیر وضعیت این جرایم (از حیث طبیعی بودن و یا قراردادی بودن) بوده است. در حقیقت، هدف آشکار ساختن آن است که آیا قراردادی بودن و یا طبیعی بودن، موجب ارائه‌ی پاسخ‌های متعدد خواهد شد؟ فرض بر آن بود که افکار عمومی، تجاوز به عنف را جرمی شدیدتر از اختلاس و یا شرکت‌های هرمی می‌داند و بدین ترتیب، تمایل به کیفرگرایی در خصوص این جرم بیشتر است. در مقابل، اختلاس و تأسیس یا عضویت در شرکت‌های هرمی در شمار جرایم یقه‌سفیدان قرار داشته و به همین واسطه و به‌رغم آثار زینبار فراوان، افکار عمومی حساسیت کمتری در برابر ارتکاب آن از خود بروز می‌دهند و به تبع تمایل به کیفرگرایی در مورد این دسته جرایم کمتر خواهد بود.

۳. روش پژوهش

پاسخگویی به آیت‌های پرسش‌نامه، به روش پیمایشی^۱ صورت پذیرفته است. منابع استفاده شده در پژوهش شامل کتاب‌ها و مقالات مربوط به موضوع، استفاده از آمارنامه‌ها و پرسش‌نامه بوده است. بررسی صحت یا عدم صحت مقدمات نظری، با بهره‌گیری از نتایج حاصله از یک پیمایش دنبال می‌شود که در سال ۱۳۹۳ در سه شهر مشهد، تهران و قم صورت گرفته است.

جامعه آماری این پژوهش تمامی افراد دارای سن بیشتر از ۱۸ سال بودند که حجم نمونه مورد مطالعه ۱۸۰ نفر (۶۰ نفر به ازای هر شهر) تعیین گردید^۲ که از این میان، به ۹۰ نفر در خصوص

1. Survey Method

۲. در این پژوهش جهت به دست آوردن جامعه آماری از فرمول کوکران به صورت آنلاین استفاده شد. در این راستا جامعه آماری با جدول مورگان هم تطبیق داده شد. در نهایت مشاهده شد که حداقل نمونه برای جامعه‌ای که نامحدود است و تعدادش را نداریم (از آنجا که جامعه مورد نظر در این پژوهش افراد بالای ۱۸ سال بودند و آمار دقیقی در خصوص تعداد افراد بالای ۱۸ سال در سه شهر مورد مطالعه نداشتیم) و یا تعدادش خیلی زیاد است ۳۸۴ الی ۳۸۵ نفر می‌باشد. در ابتدا همین تعداد (یعنی ۳۸۴ نفر) ملاک قرار گرفت، ولی در مجموع تعداد افرادی که حاضر به همکاری با ما شدند و پرسش‌نامه‌ها را تکمیل نمودند، به‌ویژه در مورد گروه آگاه که بایستی به اطلاعات ارائه شده از سوی پرسشگران گوش می‌دادند، خیلی کمتر بود. در نهایت وقتی پرسش‌نامه‌ها در شهرها تکمیل شد مشاهده گردید که هر شهر حدود ۶۰ و یا اندکی بیشتر یا کمتر به پرسش‌نامه‌ها پاسخ دادند و افراد جهت پاسخ‌دهی، خوب مشارکت نکردند. لذا مجبور شدیم یک سری از پرسش‌نامه‌ها که به درستی پاسخ داده نشده را حذف کرده و آن دسته از پرسش‌نامه‌هایی را که به درستی پاسخ داده شده بودند ملاک قرار دهیم. یعنی از بین ۳۸۴ نفر جامعه آماری، از هر شهر فقط حدود ۶۰ پرسش‌نامه به خوبی پاسخ داده شده بود. البته در شهر قم تعداد پرسش‌نامه‌های تکمیل شده صحیح از این تعداد



پرسش‌ها آگاهی داده شده و ۹۰ نفر نیز بدون آگاهی در پیمایش شرکت نموده‌اند. در راستای تقسیم‌بندی گروه آگاه و ناآگاه، در گام نخست، مخاطبان، بدون آن‌که هیچ آگاهی در خصوص میزان زیان‌بار بودن جرایم دریافت‌کنند؛ به پرسش‌ها پاسخ می‌دهند. سپس، گروهی دیگر از مخاطبان، اطلاعات کاملی به صورت شفاهی در خصوص هر یک از جرایم، تفاوت جرایم خیابانی با جرایم یقه‌سفیدها، میزان زیان‌باری جرایم افراد یقه‌سفید، عیان‌نبودن جرایم این افراد به‌رغم خسارت‌های بسیار ناشی از این جرایم و... دریافت نمودند. مخاطبان در جریان این فرایند آگاهی‌دهی، دریافتند که اگرچه جرم تجاوز به عنف در شمار شدیدترین گونه از نقض اخلاقیات اجتماع است؛ لیکن به علت خیابانی بودن، به مقدار بسیار زیادی احساسات عمومی را تحریک نموده و به صورت مستقیم، پاسخ در برابر این جرم را آمیخته با واکنش‌های کیفی شدید می‌نماید. به‌ویژه که، آثار زیان‌بار این جرم، بلافاصله پس از ارتکاب، در زندگی بزه‌دیده و یا حتی در اخلاق اجتماعی هویدا می‌گردد. در مقابل، جرایم یقه‌سفیدان، اگرچه آثار ناگوار اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی فراوانی دارد؛ لیکن به علت نهان بودن و تاثیرگذاری طولانی مدت، به میزان کمتری از تجاوز به عنف، موجب تحریک احساسات عمومی می‌گردد.

برای تعیین افراد نمونه از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد. بدین صورت که پرسشگران به نواحی مختلف در شهرهای تهران، مشهد و قم مراجعه کردند و پرسش‌نامه را در اختیار تمامی افرادی قرار دادند که در دسترس بوده و برای تکمیل پرسش‌نامه اعلام موافقت نمودند.

ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه محقق‌ساخته می‌باشد. در این راستا پرسش‌نامه‌ای با پاسخ‌های ثابت تهیه شد. در مجموع (۶) آیت‌ها برای متغیرها در پرسش‌نامه طراحی شد که شیوه نمره‌گذاری آن براساس طیف پنج درجه‌ای لیکرت (کاملاً موافقم؛ موافقم؛ نظری ندارم؛ مخالفم؛ کاملاً مخالفم) می‌باشد. پس از تعیین شاخص‌های لازم در پرسش‌نامه اعتبار صوری و پایایی آن تأیید گردید.

هم کمتر بود که مجدداً پرسشگران به شهر قم رفته و پرسش‌نامه‌های دیگری در برخی نواحی این شهر پخش و توسط پیمایش‌شدگان تکمیل شد؛ زیرا تصمیم گرفته شد هر سه شهر حداقل ۶۰ پرسش‌نامه را داشته باشند تا جامعه آماری از ۱۰۰ نفر بیشتر شود. در حال حاضر در مجموع درست است که کل جامعه آماری حاضر ۱۸۰ نفر است و از ۳۸۴ نفر پایین‌تر می‌باشد و در واقع از فرمول کوکران تخطی شده، لیکن براساس قاعده کلی که حداقل حجم نمونه در مطالعات از نوع پیمایشی ۱۰۰ نفر است، نمونه آماری پژوهش را ۱۸۰ نفر در نظر گرفتیم تا مشکلی در تحلیل داده‌ها با این حجم نمونه به وجود نیاید.



روایی صوری و محتوای پرسشنامه پس از ارزیابی توسط صاحب‌نظران و متخصصان حوزه علوم اجتماعی مورد تأیید قرار گرفت. به منظور بررسی اعتبار پرسشنامه از روش همسانی درونی استفاده شد که ضریب آلفای کرونباخ برای کل نمونه، ۰/۸۹ به دست آمد.

برای بررسی عوامل مؤثر بر میزان کیفرگرایی افکار عمومی، یعنی روابط میان کیفرگرایی و دیگر متغیرهای تأثیرگذار مورد مطالعه در این پیمایش، یعنی جنس، سطح تحصیلات، میزان آگاهی و باورهای فرهنگی و مذهبی در نوع شهر، از آزمون همبستگی خی‌دو استفاده شده و در هر مورد آماره خی‌دو و معنی‌داری^۱ محاسبه می‌شود. مقادیر بالای این آمار نشان می‌دهد که متغیر مورد نظر بر پاسخ افراد مؤثر نیست. همچنین اگر معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ باشد، فرض مؤثر بودن متغیر بر پاسخ افراد پذیرفته می‌شود.

با توجه به اینکه ممکن بود پاسخگویان در هنگام تکمیل پرسش‌نامه با ابهاماتی روبه‌رو شوند، پژوهشگران در هنگام تکمیل پرسش‌نامه در نزد پاسخگو حضور داشتند. به‌ویژه از آنجا که قرار بود نیمی از پرسش‌نامه‌ها توسط گروه آگاه تکمیل شود باید پرسشگران در محل حاضر می‌بودند تا اطلاعات و آگاهی‌هایی که از قبل طراحی شده بود به پاسخ‌دهندگان گروه آگاه ارائه دهند. از این رو در اجرای پرسش‌نامه از روش چهره به چهره استفاده شد.

در این پژوهش برای سنجش کیفرگرایی در سه جرم تجاوز به عنف، اختلاس و تأسیس یا عضویت در شرکت‌های هرمی، (۶) آیتم مورد استفاده قرار گرفت. موضوعات این آیتم‌ها در مورد این بود که تا چه حد با مجازات حاضر برای هریک از سه جرم فوق، یعنی تجاوز به عنف، اختلاس و شرکت‌های هرمی موافق هستند؟ همچنین تا چه میزان با کاهش مجازات جرایم تجاوز به عنف و شرکت‌های هرمی از یک سو و افزایش مجازات جرم اختلاس موافق یا مخالف هستند؟ هریک از این چهار متغیر مورد مطالعه در این پژوهش، یعنی جنس، سطح تحصیلات، میزان آگاهی و باورهای مذهبی یا فرهنگی وابسته به نوع شهر به وسیله این (۶) آیتم مورد سنجش قرار گرفتند.

پس از نهایی شدن پرسش‌نامه، انتخاب جامعه نمونه و جلب رضایت افراد نمونه، به منظور اطمینان بیش‌تر و عدم سوگیری، به افراد توضیحاتی ارائه شد و پرسش‌نامه‌ها بدون نوشتن نام افراد تکمیل گردید. در نهایت نیز داده‌ها و اطلاعات حاصله، از طریق نرم‌افزار اس.پی.اس.اس^۲ استخراج شد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. p-value
2. SPSS

۴. یافته‌های پژوهش

۴.۱. سیمای پاسخگویان

در میان پاسخگویان کم سن‌ترین فرد ۱۸ سال سن و مسن‌ترین فرد ۷۸ سال سن داشت. میانگین اکثر افراد از لحاظ سنی بین ۲۰ تا ۴۰ سال بود. از این میان بیشتر افراد را گروه مردان (حدود ۵۶/۱) به خود اختصاص داده‌اند و زنان عده‌ی کمتری را (حدود ۴۳/۸) تشکیل می‌دهند.

از مجموع پاسخگویان ۱۲/۲ افراد زیر دیپلم، ۲۱/۱ افراد دیپلم، ۳۸/۸ افراد لیسانس، ۰/۲۵ افراد کارشناسی ارشد و ۲/۷ افراد را دکتری تشکیل داده بودند. بدین ترتیب، بیشتر افراد پاسخگو دارای تحصیلات در سطح لیسانس بودند.

توزیع فراوانی براساس شهرها نشان می‌دهد که درصد پاسخگویان در شهرهای مورد پژوهش یعنی تهران، مشهد و قم به یک اندازه است.

۴.۲. تأثیر متغیر آگاهی بر کیفرگرایی

در مورد آگاهی از مضرات کیفرگرایی، خفیف یا شدید بودن مجازات‌ها در هریک از جرایم مورد مطالعه در این پژوهش، سؤالاتی در پرسش‌نامه طرح گردیده که بررسی پاسخ‌های مربوط، نحوه تأثیر آگاهی را مشخص خواهد کرد. هم‌اکنون پاسخ‌ها در دو گروه آگاه و ناآگاه مورد بررسی قرار گرفته و بحثی در این خصوص طرح می‌گردد که آیا پاسخ‌ها در مورد گروه آگاه نسبت به گروه ناآگاه تفاوت محسوسی داشته‌است؟ آمار پذیرش یا عدم‌پذیرش فرضیه‌های مربوطه در یک نگاه کلی به شرح جدول شماره (۱) نشان داده شده و در هنگام ذکر جداول فراوانی به بیان توصیفی آن‌ها به تفصیل پرداخته می‌شود.

جدول ۱. تأثیر آگاهی بر تمایل به کیفرگرایی در جرایم تجاوز به عنف، اختلاس و شرکت‌های هرمی

سوال	p-value	آماره خی دو
تأثیر آگاهی در پذیرش کیفر اعدام برای تجاوز به عنف	۰/۱۸	۶/۲۳
تأثیر آگاهی در تخفیف کیفر اعدام برای تجاوز به عنف	۰/۸۳	۱/۴۳
تأثیر آگاهی در پذیرش کیفر اختلاس	۰/۴۸	۳/۴۷

تأثیر آگاهی در تشدید کیفر برای اختلاس	۰/۷۷	۱/۸۰
تأثیر آگاهی در پذیرش کیفر شرکت‌های هرمی	۰/۹۸	۰/۳۴
تأثیر آگاهی در تخفیف کیفر برای شرکت‌های هرمی	۰/۴۵	۳/۶۷

جدول زیر براساس فراوانی پاسخ به سوال‌ها، برای دو گروه آگاه و ناآگاه رسم شده است. در جدول شماره (۲) درصد موافقان و مخالفان کیفر جرم تجاوز به عنف به نمایش گذاشته شده است.

جدول ۲. توزیع پاسخگویان بر حسب تأثیر آگاهی بر پذیرش کیفر اعدام در تجاوز به عنف

وضعیت آگاهی		
آیتم‌ها	آگاه	ناآگاه
کاملاً موافق	۴۸ (۵۳/۳)	۳۶ (۳۹/۱)
موافق	۲۰ (۲۲/۲)	۲۲ (۲۳/۹)
بدون نظر	۹ (۱۰/۰)	۸ (۸/۷)
مخالف	۹ (۱۰/۰)	۱۷ (۱۸/۵)
کاملاً مخالف	۴ (۴/۴)	۹ (۹/۸)

جدول فوق، بیانگر چگونگی پاسخ مخاطبان به کیفر اعدام برای جرم تجاوز به عنف در دو سطح آگاهی و عدم آگاهی است. در خصوص گزینه‌ی (کاملاً موافقم)، می‌توان مشاهده نمود که آگاهی‌های پیش‌گفته بی‌تأثیر بوده و حتی مخاطبان آگاه، میزان کیفرگرایی بیشتری را از خود بروز داده‌اند. در خصوص گزینه‌های (مخالفم) و (کاملاً مخالفم) نیز وضع به همین نحو بوده و افراد ناآگاه، میزان مخالفت بیشتری با مجازات اعدام داشته‌اند.

جدول ذیل نیز بیانگر واکنش مخاطبان در قبال پیشنهاد تخفیف مجازات تجاوز به عنف است.

جدول ۳. توزیع پاسخگویان بر حسب تأثیر آگاهی بر پذیرش تخفیف مجازات تجاوز به عنف

وضعیت آگاهی	آیندها	
	آگاه	ناآگاه
کاملاً موافق	۱۲ (۱۳/۳)	۱۵ (۱۶/۳)
موافق	۲۱ (۲۳/۳)	۱۸ (۱۹/۶)
بدون نظر	۸ (۸/۹)	۱۰ (۱۰/۹)
مخالف	۲۳ (۲۵/۶)	۱۹ (۲۰/۷)
کاملاً مخالف	۲۶ (۲۸/۹)	۳۰ (۳۲/۶)

این جدول نشان می‌دهد که در واکنش به تخفیف مجازات تجاوز به عنف، افراد موافق، بیشتر ناآگاه بوده‌اند. آنچه به نظر می‌آید این است که فرض آگاهی و عدم آگاهی، پاسخ‌های مخاطبان در خصوص واکنش علیه تجاوز به عنف را تحت تأثیر قرار نداده و همچنان، مخاطبان (اعم از آگاه و ناآگاه) میزان کیفرگرایی بالایی را از خود به نمایش گذاشته‌اند. حتی به هنگام پیشنهاد تخفیف مجازات تجاوز به عنف به دیگر مجازات‌های شدیدی چون حبس ابد نیز، افراد ناآگاه بیشتر موافق این مسئله بوده که بیانگر میزان مخالفت بیشتر افراد آگاه با تخفیف مجازات است. البته با توجه به اینکه تجاوز به عنف شدیداً احساسات عمومی را تحریک می‌کند تحقق چنین نتیجه‌ای قابل پیش‌بینی بود.

در ادامه با نمایش جدول‌های مربوطه، در مورد اختلاس و کیفرگرایی در دو فرض آگاهی و عدم آگاهی سخن گفته می‌شود.

جدول ۴. توزیع پاسخگویان بر حسب تأثیر آگاهی در پذیرش کیفر اختلاس

وضعیت آگاهی	آیندها	
	آگاه	ناآگاه
کاملاً موافق	۱۱ (۱۲/۲)	۹ (۱۰/۵)
موافق	۲۸ (۳۱/۱)	۱۹ (۲۲/۱)
بدون نظر	۷ (۷/۸)	۱۱ (۱۲/۸)
مخالف	۲۸ (۳۱/۱)	۲۶ (۳۰/۲)
کاملاً مخالف	۱۶ (۱۷/۸)	۲۱ (۲۴/۴)



جدول فوق بیانگر پاسخ به پرسش مربوط به اختلاس می‌باشد. مشاهده می‌شود که بسیاری از افراد اعم از آگاه و ناآگاه با مجازات فعلی جرم اختلاس مخالف بوده و این مجازات را کافی نمی‌دانند. شاید علت این مخالفت را بتوان در شیوع فراوان جرم اختلاس در دهه حاضر و ضربات اقتصادی فراوانی که این جرم برای مردم داشته است جستجو کرد. یعنی باز هم آگاهی افراد در این دوران نسبت به گذشته از طریق رسانه‌ها و غیره در مورد جرم اختلاس و ضربات سنگین آن به جامعه بیشتر شده است و دیدگاه مردم نسبت به این قبیل جرایم یقه‌سفیدها بازتر شده و در نظر آن‌ها منفورتر جلوه کرده است. همین امر مؤثر در کیفرگرایی بیشتر جامعه در خصوص جرم اختلاس است. با وجود آگاهی کلی جامعه در دهه حاضر در مورد جرم اختلاس، با دادن اطلاعات بیشتر توسط پیمایش‌گران در مورد اثرات مخرب و هزینه‌های هنگفتی که عملاً به واسطه یک اختلاس بر دوش ملت گذاشته می‌شود به گروه آگاه، افراد بیشتری موافق تشدید مجازات اختلاس به اعدام شده‌اند که در نمودار و جدول ذیل مشاهده می‌شود.

جدول ۵. توزیع پاسخگویان بر حسب تأثیر آگاهی در پذیرش تشدید مجازات اختلاس

آیتم‌ها	وضعیت آگاهی	
	آگاه	ناآگاه
کاملاً موافق	۲۶ (۲۸/۹)	۲۱ (۲۴/۴)
موافق	۲۳ (۲۵/۶)	۱۹ (۲۲/۱)
بدون نظر	۹ (۱۰/۰)	۱۲ (۱۴/۰)
مخالف	۲۵ (۲۷/۸)	۲۴ (۲۷/۹)
کاملاً مخالف	۷ (۷/۸)	۱۰ (۱۱/۶)

قابل مشاهده است که افراد آگاه، در مقایسه با افراد ناآگاه، تمایل بیشتری به تشدید مجازات اختلاس دارند. بدین معنا که توضیحات ارائه شده در خصوص شدت جرم اختلاس و میزان زیانباری آن، گرایش به کیفرگرایی و تشدید مجازات را تا حدودی در میان مخاطبان افزایش داده است. زمینه‌های اجتماعی را نیز باید دیگر متغیر تأثیرگذار در تمایل به این تشدید دانست. حال در ادامه باید دید فعالیت در شرکت‌های هرمی و کیفرگرایی در دو فرض آگاهی و عدم آگاهی به چه شیوه‌ای خواهد بود.

جدول ۶. توزیع پاسخگویان بر حسب تأثیر آگاهی در پذیرش کیفر شرکت‌های هرمی

آینم‌ها	وضعیت آگاهی	
	آگاه	ناآگاه
کاملاً موافق	۱۴ (۱۵/۹)	۱۳ (۱۴/۳)
موافق	۲۴ (۲۷/۳)	۲۳ (۲۵/۳)
بدون نظر	۱۷ (۱۹/۳)	۱۸ (۱۹/۸)
مخالف	۲۴ (۲۷/۳)	۲۸ (۳۰/۸)
کاملاً مخالف	۹ (۱۰/۲)	۹ (۹/۹)

جدول شماره (۶)، بیانگر چگونگی پاسخ مخاطبان به کیفر اتخاذ شده برای جرم شرکت‌های هرمی در دو سطح آگاهی و عدم آگاهی است. یافته‌ها بیانگر تفاوت بین دو گروه آگاه و ناآگاه است. نتایج حاصل از جدول ناظر به تأثیر آگاهی در پذیرش تخفیف مجازات برای عاملین شرکت‌های هرمی که در زیر نمایش داده می‌شود نیز مؤید سخن فوق است.

جدول ۷. توزیع پاسخگویان بر حسب تأثیر آگاهی در پذیرش تخفیف مجازات شرکت‌های هرمی

آینم‌ها	وضعیت آگاهی	
	آگاه	ناآگاه
کاملاً موافق	۱۲ (۱۳/۳)	۸ (۸/۸)
موافق	۹ (۱۰/۰)	۸ (۸/۸)
بدون نظر	۱۲ (۱۳/۳)	۱۷ (۱۸/۷)
مخالف	۲۸ (۳۱/۱)	۳۶ (۳۹/۶)
کاملاً مخالف	۲۹ (۳۲/۲)	۲۲ (۲۴/۲)

جدول فوق، بیانگر پاسخ مخاطبان به پرسشی در خصوص تخفیف مجازات فعالیت در شرکت‌های هرمی است. چنانچه گزینه (کاملاً موافقم) و گزینه (موافقم) به دقت مورد بررسی قرار گیرد؛ آشکار می‌گردد که در خصوص این جرم، افراد آگاه، در مقایسه با ناآگاهان، تمایل بیشتری به تخفیف مجازات داشته‌اند. گزینه (مخالفم) نیز تأییدکننده همین برداشت است. زیرا مخاطبان آگاه در مقایسه با مخاطبان ناآگاه، مخالفت کمتری با تخفیف مجازات این بزه داشته‌اند. البته، نتایج حاصله از گزینه (کاملاً مخالفم)، تا حدودی، بیانگر برداشت دیگری است.

در قسمت بعدی تأثیر یکی دیگر از متغیرهای مؤثر، یعنی جنس بر روی نوع و نحوه پاسخ‌دهی افراد بررسی می‌شود.

۳.۴. تأثیر متغیر جنس بر کیفرگرایی

مسئله دیگر، ارتباط بین جنس و کیفرگرایی است. جدول زیر مقدار مربوط به آماره خی دو را در رابطه با تأثیر جنس افراد در پاسخ آن‌ها نشان می‌دهد.

جدول ۸. تأثیر جنس در تمایل به کیفرگرایی در تجاوز به عنف، اختلاس و شرکت‌های هرمی

سوال	p-value	آماره خی دو
تأثیر جنسیت در پذیرش کیفر اعدام برای تجاوز به عنف	۰/۳۰	۴/۸۳
تأثیر جنسیت در تخفیف کیفر اعدام برای تجاوز به عنف	۰/۹۵	۰/۶۷
تأثیر جنسیت در تشدید کیفر برای اختلاس	۰/۵۳	۳/۱۴
تأثیر جنسیت در تخفیف کیفر برای شرکت‌های هرمی	۰/۵۹	۲/۷۸

بر اساس نتایج جدول فوق پاسخ هر دو جنس زن و مرد تقریباً یکسان بوده است. جهت مقایسه بهتر، جداول فراوانی مشاهدات مربوط به هر کدام ترسیم و سپس به صورت مقایسه‌ای به توضیح و تبیین آن‌ها پرداخته می‌شود.

جدول ۹. توزیع پاسخگویان بر حسب تأثیر جنس در پذیرش کیفر اعدام در تجاوز به عنف

آیتم‌ها	جنس	
	مرد	زن
کاملاً موافق	۴۸ (۴۷/۱)	۳۵ (۴۴/۹)
موافق	۲۲ (۲۱/۶)	۲۰ (۲۵/۶)
بدون نظر	۱۳ (۱۲/۷)	۴ (۵/۱)
مخالف	۱۴ (۱۳/۷)	۱۱ (۱۴/۱)
کاملاً مخالف	۵ (۴/۹)	۸ (۱۰/۳)

پیمایش بیانگر این است که بخش قابل توجهی از مخاطبان، اعدام را مجازاتی مناسب برای جرم تجاوز به عنف دانسته‌اند. البته، همان‌گونه که از جدول فوق برمی‌آید؛ اگر چه زنان تا میزان بالایی موافق با مجازات اعدام هستند؛ لیکن این میزان، کمتر از درجه موافقت مردان است. براساس جدول (۱۰)، همین افراد در پاسخ به تخفیف مجازات از اعدام به حبس ابد و... این پاسخ‌ها را ارائه نموده‌اند که حاکی از عدم رضایت آنان به تغییر مجازات اعدام است. جدول ۱۰. توزیع پاسخگویان بر حسب تأثیر جنس در پذیرش تخفیف مجازات تجاوز به عنف

آیتم‌ها	جنس	
	مرد	زن
کاملاً موافق	۱۶ (۱۵/۷)	۱۱ (۱۴/۱)
موافق	۲۱ (۲۰/۶)	۱۸ (۲۳/۱)
بدون نظر	۱۱ (۱۰/۸)	۷ (۹/۰)
مخالف	۲۵ (۲۴/۵)	۱۷ (۲۱/۸)
کاملاً مخالف	۲۹ (۲۸/۴)	۲۵ (۳۲/۱)

همانطور که از جداول (۸)، (۹) و (۱۰) استنباط می‌شود، هر دو جنس مرد و زن، در واکنش به جرم تجاوز به عنف، میزان بالایی از کیفرگرایی را به نمایش گذاشته و تا حدود بسیاری با مجازات اعدام برای این جرم موافق بوده‌اند. همچنین، در پاسخ به پیشنهاد برای تخفیف مجازات مجرم تجاوز به عنف به کیفرهایی شدیدی همچون حبس ابد، بخش قابل توجهی از مخاطبان، گزینه‌ی «کاملاً مخالفم» را انتخاب نموده‌اند.

نکته مهم در این پیمایش آن است که اگرچه تعداد زیادی از مخاطبان زن نیز موافق مجازات اعدام بوده‌اند؛ لیکن در مقایسه با مردان، گرایش کمتری به این واکنش کیفری داشته‌اند. این درحالی است که زنان، بر اساس اطلاعات حاصل از پرسش‌ها، نشان داده شده که تجربه ترس از جرم بیشتری در قیاس با مردان داشته‌اند. این داده‌ها، ممکن است ناشی از دو علت باشند. نخست آن که زنان، به علت برخورداری بیشتر از نیروی عاطفه و احساسات، تمایل کمتری در مقایسه با مردان به اعدام و حتی دیگر مجازات‌های شدید نشان می‌دهند. امری که به هنگام پیمایش نیز در کلام و توضیحات برخی مخاطبان مورد اشاره قرار می‌گرفت. دلیل دیگر، زیاد بودن تعداد مردان در پیمایش می‌باشد.

آنچه پیشتر گذشت؛ بحث در خصوص میزان کیفرگرایی افکار عمومی در مقابله با جرم تجاوز به عنف بود. هم‌اکنون، به مقایسه کیفرگرایی افکار عمومی میان سه جرم تجاوز به عنف، اختلاس و

شرکت‌های هرمی پرداخته خواهد شد. بدین ترتیب، جدول بعدی به شرح و بررسی تأثیر جنس بر کیفرگرایی در جرم اختلاس می‌پردازد.

جدول ۱۱. توزیع پاسخگویان بر حسب تأثیر جنس در پذیرش تشدید مجازات اختلاس

آینم‌ها	جنس	
	مرد	زن
کاملاً موافق	۲۹ (۲۹/۶)	۱۸ (۲۳/۴)
موافق	۲۳ (۲۳/۵)	۱۹ (۲۴/۷)
بدون نظر	۱۰ (۱۰/۲)	۱۱ (۱۴/۳)
مخالف	۲۹ (۲۹/۶)	۱۹ (۲۴/۷)
کاملاً مخالف	۷ (۷/۱)	۱۰ (۱۳/۰)

جدول (۱۱) در مورد اختلاس، بیانگر پاسخ مخاطبان زن و مرد به پرسشی در خصوص تشدید مجازات اختلاس از حبس و شلاق به اعدام است. در حقیقت، میزان کیفرگرایی مخاطبان، با دقت در این پاسخ‌ها معین می‌گردد. با توجه به این جدول، می‌توان چنین اذعان داشت که مردان در مقایسه با زنان، میزان کیفرگرایی بیشتری را از خود بروز داده‌اند. زیرا در گزینه‌ی نخست (کاملاً موافقم و موافقم)، میزان تمایل مردان بیشتر بوده است. آنچه این برداشت را تا حدودی تضعیف می‌نماید؛ گزینه‌ی (مخالفم) است که در آن، مردان بیشتری در عین حال، تمایل به عدم تشدید مجازات اختلاس داشته‌اند. علت این تعارض را شاید بتوان تعداد بیشتر مردان در مقایسه با زنان مورد پیمایش دانست. با این وجود و به طور کلی با دقت نظر در جداول (۸ و ۱۱) می‌توان بر این اعتقاد بود که اصولاً، متغیر جنس بر تمایل به کیفرگرایی تا حدودی تأثیر گذار است، اما رابطه معناداری بین متغیر جنس و کیفرگرایی افکار عمومی در خصوص جرم اختلاس وجود ندارد. این نتیجه در مورد جرم شرکت‌های هرمی نیز به دست آمد که در جدول‌های فراوانی ذیل قابل مشاهده است.

جدول ۱۲. توزیع پاسخگویان بر حسب تأثیر جنس در پذیرش تخفیف مجازات شرکت‌های هرمی

آینم‌ها	جنس	
	مرد	زن
کاملاً موافق	۱۴ (۱۳/۹)	۶ (۷/۷)
موافق	۸ (۷/۹)	۹ (۱۱/۵)
بدون نظر	۱۸ (۱۷/۸)	۱۱ (۱۴/۱)
مخالف	۳۳ (۳۲/۷)	۲۹ (۳۷/۲)
کاملاً مخالف	۲۸ (۲۷/۷)	۲۳ (۲۹/۵)

با توجه به جداول شماره (۸) و (۱۲)، می‌توان اذعان داشت که متغیر جنس، تا حدودی بر میزان پاسخ‌ها تأثیرگذار بوده، اما رابطه معناداری بین این متغیر و کیفرگرایی افکار عمومی در شرکت‌های هرمی به دست نیامد.

بعد از تبیین رابطه بین جنس و کیفرگرایی، اینک نوبت بررسی رابطه سطح تحصیلات با میزان کیفرگرایی است.

۴.۴. تأثیر متغیر سطح تحصیلات بر کیفرگرایی

جمعیت مورد پیمایش از لحاظ سطح تحصیلات زیردیپلم، دیپلم، کارشناسی و حتی سطوح عالی تحصیلات یعنی ارشد و دکتری را شامل می‌شود. در این قسمت نیز همانند قسمت‌های قبل ابتدا به بیان جدول کمی و سپس به ارائه جداول فراوانی مربوط به توضیح کیفی قضیه پرداخته می‌شود.

جدول ۱۳. تأثیر سطح تحصیلات بر تمایل به کیفرگرایی در تجاوز به عنف، اختلاس و شرکت‌های هرمی

سوال	p-value	آماره خی دو
تأثیر تحصیلات در پذیرش کیفر اعدام برای - تجاوز به عنف	۰/۰۳	۲۷/۳۸
تأثیر تحصیلات در تخفیف کیفر اعدام برای تجاوز به عنف	۰/۱۲	۲۲/۶۳
تأثیر تحصیلات در تشدید کیفر برای اختلاس	۰/۶۰	۱۳/۹۷
تأثیر تحصیلات در تخفیف کیفر برای شرکت‌های هرمی	۰/۶۱	۱۳/۷۳

بر اساس نتایج موجود در جدول (۱۳) تنها در آیتیم ناظر به پذیرش کیفر اعدام برای تجاوز به عنف، بین متغیر سطح تحصیلات و کیفرگرایی رابطه معنادار و معکوس حاصل شد؛ زیرا معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ را نشان می‌دهد. جداول زیر بر اساس فراوانی پاسخ به پرسش‌ها در خصوص سه جرم تجاوز به عنف، اختلاس و شرکت‌های هرمی، برای سطوح مختلف تحصیلات رسم شده است.



جدول ۱۴. توزیع پاسخگویان بر حسب تأثیر تحصیلات در پذیرش کیفر اعدام در تجاوز به عنف

آیتم‌ها	تحصیلات			
	زیر دیپلم	دیپلم	لیسانس	ارشد
کاملاً موافق	۱۸ (۷۵/۰)	۱۳ (۳۶/۱)	۳۳ (۵۰/۸)	۱۵ (۳۳/۳)
موافق	۲ (۸/۳)	۹ (۲۵/۰)	۱۳ (۲۰/۰)	۱۵ (۳۳/۳)
بدون نظر	۲ (۸/۳)	۴ (۱۱/۱)	۸ (۱۲/۳)	۱ (۲/۲)
مخالف	۲ (۸/۳)	۷ (۱۹/۴)	۹ (۱۳/۸)	۷ (۱۵/۶)
کاملاً مخالف	۰ (۰)	۳ (۸/۳)	۲ (۳/۱)	۷ (۱۵/۶)

به طور کلی، جدول فوق بیانگر این است که تعداد زیادی از مخاطبان با کیفر اعدام برای جرم تجاوز به عنف کاملاً موافق و یا موافق هستند.

لازم به ذکر است که بیشتر مخاطبان دارای مدرک لیسانس بوده و همین مسئله، ممکن است بر نتایج پیمایش تأثیرگذار باشد. بدین ترتیب نمی‌توان با قاطعیت، این گزاره را مورد پذیرش قرار داده و یا رد نمود که هر چه میزان تحصیلات کمتر باشد، بر شدت کیفرگرایی نیز افزوده خواهد شد. لیکن، چنانچه به تفکیک مدارک تحصیلی مورد بررسی قرار گیرد؛ نتایج جالبی حاصل خواهد شد. به عنوان مثال، مدرک تحصیلی دیپلم، از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم سیر نزولی محسوس داشته است. در خصوص مدرک تحصیلی زیر دیپلم، این سیر نزولی محسوس تر است. دقت نظر در مدارک تحصیلی دیگر نیز همین برداشت را تقویت می‌نماید. بنابراین می‌توان اظهار داشت که مدرک تحصیلی دارای رابطه معنادار با میزان کیفرگرایی است. به نحوی که هر چه مدرک تحصیلی پایین‌تر باشد؛ میزان کیفرگرایی بیشتر خواهد بود.

مطابق جدول ذیل همین افراد در پاسخ به پرسش در خصوص تخفیف اعدام به کیفرهای شدیدی همچون حبس ابد و ... چنین اظهار داشته‌اند:

جدول ۱۵. توزیع پاسخگویان بر حسب تأثیر تحصیلات در پذیرش تخفیف مجازات تجاوز به عنف

آیتم‌ها	تحصیلات			
	زیر دیپلم	دیپلم	لیسانس	ارشد
کاملاً موافق	۱ (۴/۲)	۹ (۲۵/۰)	۱۰ (۱۵/۴)	۶ (۱۳/۳)
موافق	۲ (۸/۳)	۱۰ (۲۷/۸)	۱۳ (۲۰/۰)	۱۳ (۲۸/۹)
بدون نظر	۲ (۸/۳)	۰ (۰)	۱۰ (۱۵/۴)	۳ (۶/۷)
مخالف	۹ (۳۷/۵)	۵ (۱۳/۹)	۱۷ (۲۶/۲)	۹ (۲۰/۰)
کاملاً مخالف	۱۰ (۴۱/۷)	۱۲ (۳۳/۳)	۱۵ (۲۳/۱)	۱۴ (۳۱/۱)

دقت نظر در جدول (۱۵) نیز بیانگر آن است که میزان تحصیلات، با میزان تمایل به اعمال تخفیف در مجازات تجاوز به عنف تا حدودی دارای ارتباط است. تحلیل به شیوه‌ی سوال پیشین است. یعنی، چنانچه مدارک تحصیلی مجزا بررسی شود؛ می‌توان دریافت که هر چه تحصیلات کمتر باشد؛ گرایش به تخفیف مجازات نیز کمتر خواهد بود. چنان‌که میزان پاسخ‌دارندگان مدرک زیردیپلم از گزینه کاملاً موافقم به گزینه کاملاً مخالفم، سیر صعودی محسوس دارد. در خصوص مدارک دیپلم، لیسانس و غیره نیز همین قاعده صادق است.

بدین ترتیب، مطابق جداول شماره (۱۳)، (۱۴) و (۱۵)، متغیر تحصیلات دارای ارتباط دقیقی با میزان تمایل به کیفرگرایی است. زیرا، نتایج پیمایش به اثبات می‌رسانند که هرچه میزان تحصیلات پایین‌تر باشد؛ بر میزان کیفرگرایی افزوده خواهد شد. همچنین، در مدارک تحصیلی پایین‌تر، تمایل کمتری به اعمال مجازات‌های سنگین دیگر همچون حبس ابد در خصوص جرم تجاوز به عنف مشاهده گردیده است.

جدول بعدی ناظر به متغیر تحصیلات در پذیرش تشدید مجازات اختلاس است.

جدول ۱۶. توزیع پاسخگویان بر حسب تأثیر تحصیلات در پذیرش تشدید مجازات اختلاس

آیتم‌ها	تحصیلات				
	زیردیپلم	دیپلم	لیسانس	ارشد	دکتری
کاملاً موافق	۴ (۱۶/۷)	۹ (۲۵/۷)	۱۸ (۲۹/۰)	۱۲ (۲۷/۳)	۲ (۵۰/۰)
موافق	۸ (۳۳/۳)	۱۰ (۲۸/۶)	۱۴ (۲۲/۶)	۱۰ (۲۲/۷)	۰ (۰)
بدون نظر	۵ (۲۰/۸)	۴ (۱۱/۴)	۶ (۹/۷)	۳ (۶/۸)	۱ (۲۵/۰)
مخالف	۶ (۲۵/۰)	۱۱ (۳۱/۴)	۱۷ (۲۷/۴)	۱۲ (۲۷/۳)	۰ (۰)
کاملاً مخالف	۱ (۴/۲)	۱ (۲/۹)	۷ (۱۱/۳)	۷ (۱۵/۹)	۱ (۲۵/۰)

جدول فوق، بیانگر پاسخ‌های مخاطبان دارای مدارک تحصیلی مختلف در خصوص تشدید مجازات اختلاس به اعدام (در مقایسه با مجازات حبس و جزای نقدی) است. با بهره‌گیری از این جدول و براساس جدول شماره (۱۳) نمی‌توان با قاطعیت به تأثیر میزان تحصیلات بر کیفرگرایی افکار عمومی پی برد.

این برداشت ممکن است در نتیجه دو علت شکل گرفته باشد:

۱- بیشتر مخاطبین دارای مدرک لیسانس بوده و همین مسئله، توازن پاسخ‌ها را مخدوش می‌نماید.

۲- اختلاس به سبب دولتی بودن، ممکن است در مقایسه با تجاوز به عنف به عنوان یک جرم طبیعی، تأثیرگذاری کمتری در میان افکار عمومی داشته و در حقیقت، افکار عمومی، شناسایی کمتری از این جرم و آثار زیانبار آن داشته باشند.

بعد از بررسی اختلاس، بایستی متغیر مذکور را در جرم شرکت‌های هرمی نیز مورد واکاوی قرار داد.

جدول ۱۷. توزیع پاسخگویان بر حسب تأثیر تحصیلات در پذیرش تخفیف کیفر برای شرکت‌های هرمی

آیتم‌ها	تحصیلات			
	زیر دیپلم	دیپلم	لیسانس	ارشد
کاملاً موافق	۳ (۱۲/۵)	۷ (۱۹/۴)	۶ (۹/۴)	۲ (۴/۴)
موافق	۳ (۱۲/۵)	۴ (۱۱/۱)	۵ (۷/۸)	۴ (۸/۹)
بدون نظر	۵ (۲۰/۸)	۴ (۱۱/۱)	۱۱ (۱۷/۲)	۶ (۱۳/۳)
مخالف	۸ (۳۳/۳)	۱۵ (۴۱/۷)	۲۰ (۳۱/۲)	۱۸ (۴۰/۰)
کاملاً مخالف	۵ (۲۰/۸)	۶ (۱۶/۷)	۲۲ (۳۴/۴)	۱۵ (۳۳/۳)
				۱ (۲۵/۰)
				۰ (۰)
				۱ (۲۵/۰)
				۰ (۰)
				۲ (۵۰/۰)

جدول (۱۷)، بیانگر پاسخ‌های مخاطبان با مدارک تحصیلی مختلف، در واکنش به پیشنهاد تخفیف مجازات فعالیت در شرکت‌های هرمی می‌باشد. با بررسی گزینه‌ی (کاملاً موافقم)، می‌توان دریافت که سه مدرک زیر دیپلم، دیپلم و لیسانس، در مقایسه با مدارک کارشناسی ارشد و دکتری، میزان بیشتری از موافقت با تخفیف مجازات را از خود بروز داده‌اند. همچنین مشاهده می‌شود در مورد این جرم اکثر افراد با تحصیلات بالاتر مخالف تخفیف کیفر هستند و به عبارت دیگر تمایل به کیفرگرایی در تحصیلات بالا در این جرم بیشتر است. به عنوان مثال، اگر صرفاً مقطع کارشناسی مورد بررسی قرار گیرد آنچه مشهود است آن است که میزان مخالفت با تخفیف کیفر نسبت به موافقت با این امر بسیار بیشتر است.

بدین ترتیب، براساس جدول فوق و جدول (۱۳)، می‌توان ادعان داشت که اگرچه گرایش کلی به تخفیف مجازات وجود نداشت؛ لیکن متغیر تحصیلات، تا حدودی بر میزان تمایل به کیفرگرایی تأثیرگذار بوده است. چنان‌که مخاطبان دارای مدرک دیپلم و پایین‌تر، در مقایسه با دارندگان مدارک بالاتر از دیپلم، میزان کمتری از کیفرگرایی در مجازات را از خود بروز داده‌اند. این نتیجه به صراحت مخالف با نتایج حاصل از جرم تجاوز به عنف می‌باشد که گفته شد هرچه تحصیلات بالا رود میزان کیفرگرایی کمتر می‌شود. شاید علت این امر را بتوان در بزه‌دیدگی بیشتر قشر تحصیل کرده در خصوص جرم شرکت‌های هرمی دانست. در حقیقت، با بررسی سوابق جرم شرکت‌های هرمی و

بزه دیدگان آن، این نتیجه حاصل می‌شود که اکثر بزه دیدگان آن قشر تحصیل کرده جامعه بودند که برای به دست آوردن پول بیشتر جهت تأمین هزینه‌های درس خواندن و سایر هزینه‌ها و همچنین به دلیل عدم رعایت شایسته‌سالاری در منصب‌ها به سراغ شرکت‌های هرمی رفته‌اند و در دام آن‌ها گرفتار شده‌اند (حاجی ده آبادی و خادم، ۱۳۹۶: ۶۶؛ مظلوم خراسانی و نوغانی و هاشمی مهنه، ۱۳۹۰: ۱۳۵). افراد تحصیل کرده مورد پرسش در این پیمایش نیز یا خود بزه دیده این جرم بوده‌اند و یا اینکه از دوستان آنان گرفتار این جرم شده بودند و همین امر در ذهنیت آنان تأثیر گذاشته و باعث شد که بسیاری از قشر تحصیل کرده با تخفیف مجازات شرکت‌های هرمی مخالفت نمایند.

در پیمایش حاضر، یکی دیگر از متغیرهای تأثیرگذار، متغیر شهر بوده است. چنان‌که در برخی موارد، ممکن است میزان ترس از جرم در یک شهر در مقایسه با شهر دیگر متفاوت باشد. لیکن در خصوص کیفرگرایی افکار عمومی، بحث به نحو دیگر است. بدین معنا که، متغیرهای اجتماعی معین‌کننده‌ی میزان کیفرگرایی بوده و متغیر شهر نیز در این قالب مورد توجه است. به تعبیر دیگر، با بررسی جداول مربوط به متغیر شهرها، نمی‌توان پاسخ‌های معنادارای را دریافت نمود. زیرا افکار عمومی، به واسطه‌ی متغیرهای اجتماعی دیگر همانند باورهای فرهنگی، مذهبی و مانند آن، میزان کیفرگرایی زیادی از خود بروز داده و همین مساله، در متغیر شهرها نیز تأثیرگذار بوده است. به نحوی که، در هر سه شهر، میزان بالایی از کیفرگرایی مورد توجه افکار عمومی بوده است.

۵.۴. تأثیر متغیر شهر بر کیفرگرایی

همان‌گونه که ابتدای بحث در بیان متغیرهای توصیفی شرح داده شد، پرسش‌نامه‌ها در بین سه شهر تهران، مشهد و قم پخش گردیده است. حال باید دید نوع شهر می‌تواند در نحوه پاسخ‌دهی افراد اثرگذار باشد یا خیر؟ برای این امر ابتدا همانند روش مرسوم به بیان جدول کمی و سپس با ارائه جدول‌های مربوطه به توضیح کیفی قضیه پرداخته خواهد شد.

جدول ۱۸. تأثیر شهر بر تمایل به کیفرگرایی در تجاوز به عنف، اختلاس و شرکت‌های هرمی

سوال	p-value	آماره خی دو
تأثیر شهر در پذیرش کیفر تجاوز به عنف	۰/۰۳	۱۶/۹۱
تأثیر شهر در تخفیف کیفر برای تجاوز به عنف	۰/۰۴	۱۵/۷۰
تأثیر شهر در تشدید کیفر برای اختلاس	۰/۱۰	۱۳/۳۰

تأثیر شهر در تشدید کیفر برای شرکت‌های هرمی	۰/۴۴	۷/۸۸
---	------	------

بر اساس نتایج موجود در جدول (۱۸) متغیر شهر تنها بر پاسخ پرسش اول و دوم، یعنی نوع شهر در پذیرش کیفر تجاوز به عنف و تخفیف کیفر برای این جرم تأثیرگذار بوده و رابطه معناداری بین این متغیر و میزان کیفرگرایی افکار عمومی برقرار شده است. جداول زیر فراوانی پاسخ به این سوال‌ها را برای سه شهر مورد پژوهش نشان می‌دهند.

اولین جدول مربوط به تأثیر متغیر شهر بر کیفرگرایی در جرم تجاوز به عنف است. جدول ۱۹. توزیع پاسخگویان بر حسب تأثیر شهر در پذیرش کیفر تجاوز به عنف

آیتم‌ها	شهر	
	مشهد	قم
کاملاً موافق	۲۵ (۴۱/۰)	۳۶ (۶۰/۰)
موافق	۱۳ (۲۱/۳)	۱۳ (۲۱/۷)
بدون نظر	۱۰ (۱۶/۴)	۱ (۱/۷)
مخالف	۹ (۱۴/۸)	۹ (۱۵/۰)
کاملاً مخالف	۴ (۶/۶)	۱ (۱/۷)
	تهران	قم
	۲۳ (۳۷/۷)	۱۶ (۲۶/۲)
	۶ (۹/۸)	۸ (۱۳/۱)
	۸ (۱۳/۱)	۸ (۱۳/۱)

جدول فوق، بیانگر میزان کیفرگرایی افکار عمومی (موافقت با مجازات اعدام) در سه شهر مشهد، قم و تهران در واکنش به جرم تجاوز به عنف می‌باشد. به وضوح قابل مشاهده است که در هر سه شهر میزان بالایی از تمایل به اعدام مشاهده می‌گردد. همین مخاطبان، در پاسخ به پرسشی در خصوص امکان تخفیف مجازات تجاوز به عنف از اعدام به حبس، چنین اظهار داشته‌اند:

جدول ۲۰. توزیع پاسخگویان بر حسب تأثیر شهر در پذیرش تخفیف کیفر برای تجاوز به عنف

آیتم‌ها	شهر	
	مشهد	قم
کاملاً موافق	۱۳ (۲۱/۳)	۳ (۵/۰)
موافق	۱۵ (۲۴/۶)	۹ (۱۵/۰)
بدون نظر	۶ (۹/۸)	۶ (۱۰/۰)
مخالف	۱۱ (۱۸/۰)	۲۲ (۳۶/۷)
کاملاً مخالف	۱۶ (۲۶/۲)	۲۰ (۳۳/۳)
	تهران	قم
	۱۱ (۱۸/۰)	۱۵ (۲۴/۶)
	۶ (۹/۸)	۹ (۱۴/۸)
	۹ (۱۴/۸)	۲۰ (۳۲/۸)

چنان که مشخص است؛ بیشتر مخاطبان دو گزینه‌ی (مخالقم) و (کاملاً مخالفم) را برگزیده و بدین ترتیب نشان داده‌اند که با تخفیف مجازات تجاوز به عنف موافق نیستند. با وجود این، از میان شهرهای سه گانه، عموماً، مخاطبان قمی، میزان کیفی‌گرایی بیشتری را از خود بروز داده‌اند، زیرا مطابق جداول (۱۹) و (۲۰) بیشترین تعداد موافق با مجازات اعدام برای جرم تجاوز به عنف و بیشترین مخالف برای تخفیف کیفر این جرم از اعدام به حبس ابد مربوط به ساکنان شهر قم است. علت این امر را همان‌طور که در بالا گفته شد نه در نوع شهر بلکه در یک متغیر اجتماعی تحت عنوان باورهای مذهبی مردم باید جست. در پیمایش حاضر نیز با توجه به جداول (۱۸)، (۱۹) و (۲۰) می‌توان تأثیر باورهای مذهبی در کیفی‌گرایی را به اثبات رساند. در حقیقت، مردم شهر قم با توجه به اینکه بسیار مردمی مذهبی هستند، باورمندی بیشتر آنها به مذهب در گرایش به سمت کیفر اعدام برای تجاوز به عنف تأثیر گذاشته و به تبع به سختی با کاهش مجازات این نوع جرم نیز موافقت می‌نمایند.

در ادامه جداول ذیل، به ترتیب بیانگر میزان تأثیر متغیر شهر در میزان کیفی‌گرایی مخاطبان در واکنش به دو جرم اختلاس و فعالیت در شرکت‌های هرمی می‌باشد:

جدول ۲۱. توزیع پاسخگویان بر حسب تأثیر شهر در پذیرش تشدید مجازات برای اختلاس

آیتم‌ها	شهر	
	مشهد	قم
کاملاً موافق	۲۰ (۳۳/۹)	۱۰ (۱۷/۲)
موافق	۱۳ (۲۲/۰)	۱۹ (۳۲/۸)
بدون نظر	۶ (۱۰/۲)	۹ (۱۵/۵)
مخالف	۱۵ (۲۵/۴)	۱۸ (۳۱/۰)
کاملاً مخالف	۵ (۸/۵)	۲ (۳/۴)
	تهران	
	۱۷ (۲۸/۸)	
	۱۰ (۱۶/۹)	
	۶ (۱۰/۲)	
	۱۶ (۲۷/۱)	
	۱۰ (۱۶/۹)	

جدول فوق، بیانگر واکنش مخاطبان در خصوص تشدید مجازات اختلاس از حبس به اعدام می‌باشد. چنان که مشاهده می‌گردد؛ تعداد بیشتری از مخاطبان، گزینه‌ی (مخالقم) را برگزیده‌اند. اگرچه، گزینه‌ی (موافقم) نیز، پاسخ شمار قابل توجهی از مخاطبان بوده است. با وجود این، پیمایش شدگان مشهد بیشترین آمار موافقت با تشدید مجازات جرم اختلاس را دارند. در ادامه جدول ذیل به شرح تأثیر شهر در مورد جرم شرکت‌های هرمی می‌پردازد.



جدول ۲۲. توزیع پاسخگویان بر حسب تأثیر شهر در پذیرش تخفیف مجازات برای شرکت‌های هرمی

آیتم‌ها	شهر	
	مشهد	قم
کاملاً موافق	۱۰ (۱۶/۴)	۵ (۸/۵)
موافق	۳ (۴/۹)	۶ (۱۰/۲)
بدون نظر	۱۳ (۲۱/۳)	۱۰ (۱۶/۹)
مخالف	۱۹ (۳۱/۱)	۲۱ (۳۵/۶)
کاملاً مخالف	۱۶ (۲۶/۲)	۱۷ (۲۸/۸)
		تهران
		۵ (۸/۲)
		۸ (۱۳/۱)
		۶ (۹/۸)
		۲۴ (۳۹/۳)
		۱۸ (۲۹/۵)

جدول (۲۲) نیز، بیانگر واکنش مخاطبان، در برابر پیشنهاد تخفیف مجازات فعالیت در شرکت‌های هرمی می‌باشد. چنان‌که مشاهده می‌گردد؛ شمار زیادی از مخاطبان، دو گزینه‌ی (مخالفم) و (کاملاً مخالفم) را برگزیده‌اند که از این میان، سهم مخاطبان تهرانی در مخالفت با تخفیف مجازات برای این جرم بیشتر بوده است. به نظر می‌رسد بتوان گفت علت این امر نیز بزه‌دیدگی بیشتر شهروندان تهرانی در برابر شهروندان شهرهای قم و مشهد در مورد جرم شرکت‌های هرمی است و همین امر نوعی حس انتقام در شهروندان تهرانی ایجاد نموده و باعث می‌شود که موافق برخورد شدید با بزهداران شرکت‌های هرمی و مخالف با هرگونه تخفیف برای مجازات این جرم باشند. همان‌گونه که پیشتر نیز گذشت و از جداول (۱۸)، (۲۱) و (۲۲) استنباط می‌شود؛ با قاطعیت نمی‌توان از متغیر شهر، تأثیرگذاری و یا عدم تأثیرگذاری مشخصی را در خصوص کیفرگرایی برداشت نمود. به‌ویژه که، افکار عمومی به‌عنوان یک پدیده اجتماعی، هرگز مربوط به یک محدوده جغرافیایی خاص نمی‌باشد. در نتایج حاصله از پیمایش نیز نمی‌توان سیر مشخصی را مورد اشاره قرار داد که براساس آن، یک شهر در هر سه جرم، میزان بیشتری از کیفرگرایی را مورد پذیرش قرار داده باشد. بنابراین، برای یافتن درکی شایسته از نگاه مخاطبان به کیفرگرایی، باید به دیگر متغیرها رجوع نمود. باوجوداین، متغیر شهر در این پیمایش، آشکار ساخت که از میان سه جرم، مخاطبان سه شهر، تنها میزان قابل توجهی از کیفرگرایی را در قبال جرم تجاوز به عنف از خود به نمایش گذارده‌اند که آن هم به‌دلیل متغیر اجتماعی باورهای مذهبی و متعصبانه مردم است.

۵. نتیجه‌گیری

این پژوهش در مجموع کوششی بود تا اینکه با استفاده از نظریات صاحب نظران در زمینه کیفرگرایی افکار عمومی به بررسی پیمایشی این پدیده در کشورمان پردازد. در این پژوهش سه

جرم تجاوز به عنف، اختلاس و تأسیس یا عضویت در شرکت‌های هرمی در سه شهر تهران، مشهد و قم که از لحاظ موقعیتی و جغرافیایی و دیگر عوامل مؤثر از حیث نظری در تمایل به کیفرگرایی متفاوت بودند انتخاب شد.

با توجه به بررسی‌هایی که در مباحث نظری انجام شد، مهم‌ترین نتایجی که در این پژوهش به دست آمد عبارت است از:

- در مجموع میان آگاهی و کیفرگرایی افکار عمومی رابطه معنا داری به دست نیامد. با این وجود، میزان آگاهی بر پاسخ مخاطبان در خصوص دو جرم قراردادی، یعنی اختلاس و شرکت‌های هرمی تا حدودی تأثیرگذار بوده است. بدین معنا که درک مخاطبان از نوع و میزان آثار زیانبار این دو جرم، میزان کیفرگرایی آن‌ها را اندکی افزایش یا کاهش داده است.

این نتیجه همسوی نتیجه تحقیقی است که توسط ویدمار و السورث انجام شده است. لیکن درباره جرم تجاوز به عنف به عنوان یک جرم طبیعی، هما طور که فرض می‌شد آگاهی یا عدم آگاهی، موجب تفاوت پاسخ‌ها نگردیده و در دو فرض، میزان بالایی از تمایل به کیفرگرایی نشان داده شده است. شاید علت این پافشاری و تأکید را بتوان در این امر دانست که جرم تجاوز به عنف نسبت به دو جرم دیگر یعنی اختلاس و شرکت‌های هرمی، دارای سابقه بسیار قدیمی بوده و علیه یکی از اساسی‌ترین ارزش‌های انسانی است؛ از این رو، تمایل به کیفرگرایی در این جرم بسیار است.

- در مورد متغیر جنس نیز میان این متغیر و کیفرگرایی افکار عمومی رابطه معناداری حاصل نشد، اما با دقت در جداول فراوانی مربوط به تأثیر جنس بر تمایل به کیفرگرایی مشخص گردید این متغیر تا حدودی بر میزان پاسخ‌ها تأثیرگذار بوده است و عموماً مردان در مقایسه با زنان، میزان بیشتری از کیفرگرایی را از خود نشان داده‌اند. این نتیجه مشابه نتایج تحقیقات کوری و فردیناند در آلمان شرقی و غربی، کسترن در پیمایش بین المللی بزه‌دیدگی، هود و هوپل در آمریکا، مطالعه میدانی نقدی در مشهد و پژوهش قاسمی در چهار شهر تهران، قم، سنندج و اهواز است. این مساله را می‌توان این‌گونه تفسیر نمود که زنان، به علت برخورداری از عواطف شدیدتر در مقایسه با مردان، همزادپنداری بیشتری با بزهکار دارند. توضیح آن که، اگرچه زنان نیز خواستار واکنش شدید در برابر جرایم هستند؛ لیکن، به هنگام تعیین کیفر، در قیاس با مردان، کمتر متمایل به مجازات‌های شدید و خشن هستند. با این وجود، پیمایش عبداللهی و محقق‌ی کمال در خصوص میزان تمایل به مجازات اعدام در بین دانشجویان دختر و پسر دانشگاه شهید بهشتی و همچنین پیمایش جوان جعفری، ساداتی و نورپور در خصوص تمایل به اعمال مجازات سنگسار بر مرتکبین زنا محصنه در شهر مشهد در سال ۱۳۹۵، نتایج متناقضی را به دست آورده و نشان می‌دهد زنان نسبت به مردان کیفرگراتر هستند.



- در خصوص تأثیر متغیر سطح تحصیلات بر میزان تمایل به کیفرگرایی باید بین سه جرم مورد مطالعه در این پژوهش قائل به تفکیک شد. در مورد جرم تجاوز به عنف، بین سطح تحصیلات و کیفرگرایی افکار عمومی رابطه معنادار و معکوس وجود دارد؛ بدین معنا که هر چه مدرک تحصیلی پایین تر باشد؛ میزان کیفرگرایی نسبت به جرم تجاوز به عنف بیشتر است. نتیجه فوق موافق با پیمایش کسترن در کشورهای توسعه یافته و پیمایش عبداللهی و محقق کیما در بین اساتید و دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی است. در مورد جرم اختلاس، نمی توان با قطعیت به تأثیر میزان تحصیلات بر کیفرگرایی افکار عمومی پی برد؛ این نتیجه نیز موافق نتیجه حاصل از مطالعه میدانی اسپرات است که نشان داد سطح تحصیلات در میزان کیفرگرایی تأثیری ندارد. در مورد کیفر جرم تأسیس یا عضویت در شرکت های هرمی نیز رابطه معناداری به دست نیامد، اما جدول کیفی ناظر به تأثیر سطح تحصیلات بر تمایل به تخفیف کیفر جرم تأسیس یا عضویت در شرکت های هرمی، بیانگر تأثیر اندک سطح تحصیلات است. بدین صورت که، مخاطبان دارای مدرک تحصیلی پایین تر، در مقایسه با دارندگان مدارک تحصیلی بالاتر، میزان کمتری از کیفرگرایی را از خود بروز داده اند. این نتیجه به صراحت مخالف با رابطه معنادار و معکوس جرم تجاوز به عنف می باشد که گفته شد هرچه تحصیلات بالا رود میزان کیفرگرایی کمتر می شود و البته موافق نتایج تحقیق کوری و فردیناند است. علت این امر را می توان در بزه دیدگی بیشتر قشر تحصیل کرده در خصوص جرم شرکت های هرمی دانست.

- در مورد متغیر شهر و تأثیر آن بر کیفرگرایی افکار عمومی نیز بررسی ها نشان داد که تنها در خصوص جرم تجاوز به عنف رابطه معنادار وجود دارد. بدین صورت که پاسخگویان قمی، به دلیل اینکه مردمی مذهبی و معتقد نسبت به اصول دینی هستند، در مورد جرم تجاوز به عنف میزان کیفرگرایی بیشتری را از خود بروز داده اند و تمایل آن ها به کیفرهای شدیدتر بوده است. این نتیجه همسوی نتایج پیمایش فیشر، کالن و اپلگیت از یک سو و پیمایش کولن و فیشر از سوی دیگر است؛ چرا که نتایج پیمایش آنان نیز رابطه بین باورهای مذهبی و کیفرگرایی را به اثبات رسانده است. همچنین، دو پیمایش انجام شده توسط جعفری و سراج زاده در ایران نشان می دهد افرادی که بیشتر به رعایت شئون مذهبی پایبند هستند تمایل فزاینده تری برای تحمیل مجازات های شدید جسمانی از خود بروز می دهند. در مورد دو جرم اختلاس و شرکت های هرمی، برخلاف جرم تجاوز به عنف، رابطه معنادار بین شهر و میزان تمایل به کیفرگرایی افکار عمومی به دست نیامد. با وجود این، نتایج جداول کیفی این دو جرم نشان می دهد که در جرم اختلاس، پیمایش شدگان شهر مشهد بیشترین آمار کیفرگرایی را دارند. اما در مورد جرم تأسیس یا عضویت در شرکت های هرمی شهروندان تهرانی تمایل بیشتری به کیفرگرایی و شدت در کیفر نشان داده اند. علت این امر

را هم باید در بزه‌دیدگی بیشتر شهروندان تهرانی نسبت به دیگر شهرهای مورد مطالعه، در برابر جرم شرکت‌های هرمی جستجو کرد. این نتیجه نیز موافق پیمایش رابرتز، استالاتز، ایندرمار و هاف است که نشان داد با افزایش بزه‌دیدگی و ترس از جرم تمایل به اعمال مجازات‌های شدیدتر می‌شود. با توجه به داده‌های پژوهش پیشنهادات ذیل ارائه می‌گردد:

- ۱- در قوه مقننه، هنگام قانون‌گذاری و وضع مجازات برای جرایم مختلف از افراد با سطوح بالای تحصیلات و متخصص در امر کیفرشناسی استفاده شود.
- ۲- لازم است رسانه‌های جمعی برنامه‌هایی را جهت آگاهی افکار عمومی اختصاص دهند که در آن‌ها اطلاعات لازم و واقعی در خصوص جرایم مختلف، کیفر و آثار واقعی و اجتماعی آن‌ها در اختیار مردم قرار گیرد.
- ۳- آموزش‌های لازم به افکار عمومی و قضات داده شود که جرم صرفاً یک پدیده ارزشی و ناظر به اخلاقیات جامعه نیست، بلکه یک پدیده اجتماعی نیز هست که در هنگام تعیین کیفر باید به آثار اجتماعی آن نیز توجه کرد.
- ۴- در این پژوهش به دلیل محدودیت‌هایی که وجود داشت، تنها کیفر سه جرم در سه شهر مورد بررسی قرار گرفت، لذا تحقیقات میدانی بیشتری با روش‌های کمی و کیفی در خصوص دیگر جرایم و شهرهای کشور توصیه می‌شود.

منابع

- بریث، ناچ (۱۳۸۷)، «جرم و مجازات از نظرگاه امیل دورکیم»، ترجمه محمدجعفر ساعد، **مجله حقوق اساسی**، سال هفتم، شماره ۹، ص ۳۰۶-۲۸۱.
- پرت، جان (۱۳۹۲)، **عوام‌گرایی کیفری (بسترها، عوامل و آثار)**، ترجمه هانیبه هژبرالساداتی، تهران: انتشارات میزان.
- جعفری، احمد (۱۳۸۹)، «بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با جدی‌انگاری جرم در بین دانشجویان دانشگاه تربیت معلم (واحد کرج)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت معلم.
- جوان جعفری، عبدالرضا و ساداتی، محمدجواد (۱۳۹۱)، «از سزاگرایی کلاسیک تا سزاگرایی نوین (نقد و ارزیابی اندیشه سزاگرایی)»، **مجله آموزه‌های کیفری**، شماره ۲، ص ۱۴۸-۱۱۹.
- جوان جعفری، عبدالرضا و ساداتی، سیدمحمدجواد و نورپور، محسن (۱۳۹۹)، «تأثیر جنسیت بر میزان گرایش به اجرای مجازات‌های شدید جسمانی (مطالعه موردی: شهرستان مشهد)»، **مجله پژوهش حقوق کیفری**، سال هشتم، شماره سی‌ام، ص ۱۴۲-۱۰۹.



- جوان جعفری بجنوردی، عبدالرضا و ساداتی، سیدمحمد جواد (۱۳۹۱)، «سزاگرایی در فلسفه کیفر»، پژوهشنامه حقوق کیفری، شماره ۲، ص ۵۹-۸۱.
- حاجی ده‌آبادی، محمد علی و خادم، سمیرا (۱۳۹۶)، «تحلیل جرم‌شناختی پدیده شرکت‌های-هرمی»، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، شماره ۱، ص ۵۷-۸۷.
- دورکهایم، امیل (۱۳۸۷)، **درباره‌ی تقسیم کار اجتماعی**، ترجمه باقر پرهام، چاپ سوم، تهران: نشر مرکز.
- رابرتز، جولیان و استالاتز، لورتا و ایندرمار، دیوید و هاف، مایک (۱۳۹۲)، **عوام‌گرایی کیفری و افکار عمومی: درس‌هایی از پنج کشور**، ترجمه زینب باقری‌نژاد، سودابه رضوانی، مهدی کاظمی جویباری و هانیه هژبرالساداتی، تهران: انتشارات میزان.
- راحتلویی، فهیمه (۱۳۹۵)، «ارزیابی کیفیت توسل به مجازات اعدام براساس قاعده شدیدترین جرم در جرایم تعزیری»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی.
- سیدزاده ثانی، مهدی و کرمانی، سعید (۱۳۹۲)، «ترس از جرم: میزان و عوامل»، **پژوهشنامه حقوق کیفری**، سال چهارم، شماره ۲، ص ۱۱۹-۱۵۱.
- صفاری، علی (۱۳۹۲)، **کیفرشناسی (تحولات، مبانی و اجرای کیفر سالب آزادی)**، چاپ بیست و چهارم، تهران: انتشارات جنگل.
- صفاری، علی و لکی، زینب و صابری، راضیه (۱۳۹۵)، «احساس ناامنی و ترس از جرم»، **مجله تعالی حقوق**، شماره ۱۶، ص ۱۲۵-۱۴۷.
- طاهری، سمانه (۱۳۹۲)، **سیاست کیفری سخت‌گیرانه**، تهران: انتشارات میزان.
- عبداللهی، احمد و محقق‌کمال، حسین (۱۳۹۰)، «نگرش دانشجویان و اساتید دانشگاه شهید بهشتی نسبت به مجازات اعدام»، **فصلنامه رفاه اجتماعی**، سال یازدهم، شماره ۴۲، ص ۴۶۸-۴۴۵.
- فارال، استفن و جکسون، جاناتان و گری، امیلی (۱۳۹۲)، **نظم اجتماعی و ترس از جرم در دوران معاصر**، ترجمه حمیدرضا نیکوکار، تهران: انتشارات میزان.
- فرحیه، محمد و مقدسی، محمدباقر (۱۳۹۱)، «پاسخ‌های کیفری عوام‌گرایانه به مفاسد اقتصادی»، **در: دایره المعارف علوم جنایی (مجموعه مقاله‌های تازه‌های علوم جنایی)**، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، کتاب دوم، چاپ نخست، تهران: نشر میزان، ص ۱۱۷۰-۱۱۷.

- قاضی نژاد، مریم و مهمدی، ارمغان (۱۳۹۵)، «رابطه بین آگاهی و ارزیابی از اجرای مجازات‌های رسمی و نگرش نسبت به جرم (مطالعه موردی: خمینی شهر اصفهان)»، **بررسی مسائل اجتماعی ایران**، دوره هفتم، شماره ۲، ص ۱۹۰-۱۶۱.
- قناد، فاطمه و اکبری، مسعود (۱۳۹۶)، «امنیت‌گرایی سیاست جنایی»، **مجله پژوهش حقوق کیفری**، سال پنجم، شماره ۱۸، ص ۳۹-۶۷.
- کوردنر، گری (۱۳۹۰)، **کاهش ترس از جرم**، ترجمه اسماعیل حسنونند و احسان حسنونند، تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- محمودی‌جانکی، فیروز و مرادی حسن‌آبادی، محسن (۱۳۹۰)، «افکار عمومی و کیفرگرایی»، **مجله مطالعات حقوقی**، دوره سوم، شماره دوم، ص ۲۱۴-۱۷۵.
- مظلوم خراسانی، محمد و نوغانی، محسن و هاشمی مهنه، مجید (۱۳۹۰)، «بررسی میزان و عوامل مؤثر بر گرایش دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد به عضویت در شرکت‌های هرمی در سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷»، **مجله علوم اجتماعی (فردوسی مشهد)**، شماره ۱، ص ۱۶۴-۱۳۵.
- میرسعیدی، منصور و کوره‌پز، حسین محمد (۱۳۹۸)، «نقش رهبران سیاسی اجتماعی در تعدیل سطح کیفرگرایی عمومی؛ مطالعه موردی کیفر مرگ»، **مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم-شناسی**، دوره ۴۹، شماره ۱، ص ۲۰۷-۱۸۵.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۸)، «کیفرشناسی نو-جرم‌شناسی نو: درآمدی بر سیاست جنایی خطرمدار»، در: **دایره المعارف علوم جنایی (مجموعه مقاله‌های تازه‌های علوم جنایی)**، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، کتاب اول، چاپ اول، تهران: نشر میزان. ص ۷۵۰-۷۱۷.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۱)، «درباره امنیت‌شناسی (از حق بر امنیت تا حق بر تأمین)»، **دیباچه بر: مدیریت انسان‌مدار ریسک جرم**، سودابه رضوانی، چاپ اول، تهران: نشر میزان. ص ۲۰-۱۱.
- نقدی، زینب (۱۳۹۶)، «تحلیل جامعه‌شناسی تطابق مجازات قتل عمد با تحولات اجتماعی ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد.
- نیکوکار، حمیدرضا و همت‌پور، بهاره (۱۳۹۱)، **ترس از جرم**، تهران: انتشارات میزان.
- نورپور، محسن، جوان جعفری بجنوردی، عبدالرضا و ساداتی، سیدمحمدجواد (۱۳۹۸)، تحلیل جامعه‌شناختی تعامل میان سیاست کیفری رسمی و اخلاق‌تنبیهی وجدان جمعی (مطالعه



موردی میزان کیفرگرایی افکار عمومی شهرستان مشهد در مجازات‌های شدید بدنی)، **مطالعات**

حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۴۹، شماره ۲، ص ۵۱۳-۵۴۱

وایت، راب و هینز، فیونا (۱۳۸۶)، **جرم و جرم‌شناسی**، ترجمه علی سلیمی، چاپ سوم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

هود، راجر و هوپل، کرولین (۱۳۹۱)، **مجازات مرگ**، ترجمه فراز شهلائی، چاپ اول، تهران: انتشارات نگاه بینه.

Cullen, Francis; Fisher, Bonnie & Applegate, Brandon (2000), "Public opinion about punishment and corrections", **Crime and Justice**, 27:1-79.

Ghassemi, Ghassem (2009), "Criminal punishment in Islamic societies: empirical study of attitudes to criminal sentencing in Iran", **European Journal of Criminal Policy and Research**, 15:159-180.

Jacobs, David & Carmichael, Jason (2002), "The political sociology of the death penalty: A pooled time-series analysis", **American Sociological Review**, 67: 109-131.

Kesteren, John van (2009), "Public attitudes and sentencing policies across the world", **European journal of criminal policy**, 6: 25-46.

Kury, Helmut & Ferdinand, Theodore (1999), "Public opinion and punitivity", **International journal of law and psychiatry**, 22: 373-392.

Kvashis, V.E (1999), "The death penalty and public opinions", **Russian Social Science Review**, 49: 75-89.

Serajzadeh, SeyedHossein (2008), "Social determinants of the seriousness of crime: an examination of a Muslim sampl", **Social Compass**, 55: 541-560.

Sprott, Jane (1999), "Are members of the public tough on crime?: the dimension of public punitivness", **Journal of criminal justice**, 27:467-474.

Unnever, James & Cullen, Francis (2009), "Empathetic identification and punitiveness: A middle-range theory of individual differences", **Theoretical criminology**, 13: pp 283-312.

Vidmar, Neil & Ellsworth, Phoebe (1974), "Public opinion and the governance of punishment. In democratic political system, Annals of the American Academy of political and social science: Democracy", **Crime and Justice**, 605: 266-280.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی